

تبلیغ نظریه غیر علمی، غیر واقعی و ضد انقلابی «سازش ابر قدرت‌ها» بزیان انقلاب ایران است



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۲۷
شماره ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۹ - شماره ۱۵ ریال

آمریکائی‌ها دوباره می‌آیند!

دوستان بحرینی حزب‌ما از «جبهه آزادپخش ملی بحرین» اطلاع بسیار مهم زیر را برای ما فرستاده‌اند:

«عده‌ای امریکائی با چند هواپیما و هلی‌کوپتر روز چهارشنبه سوم اردیبهشت (یعنی دویز پیش از تجاوز نظامی امریکا به ایران) در پایگاه نظامی انگلیسی‌ها در مصره نشستند. آنها شب مهمان انگلیسی‌ها بودند و روز چهارم اردیبهشت (پنجشنبه غروب) از آنجا پرواز کردند.

روز جمعه ششم اردیبهشت (روز تجاوز نظامی امریکا به ایران) طرف غروب، همان هواپیماها بدون هلی‌کوپتر - ما باز گشتند. قبلاً با دستپاچگی تعداد زیادی برانکار و آمبولانس در فرودگاه آماده شده بود. سرنشینان هواپیماها همان امریکائی‌های دویز پیش بودند که تعداد زیادی زخمی با خود داشتند.

روز بعد امریکائی‌ها زخمی‌هایشان را هم با خود بردند.

دربین افسران انگلیسی گفتگو بود که تا سه هفته دیگر امریکائی‌ها باز خواهند گشت.

این خبر موید خبرهای پیشین است که توسط امریکائی‌ها علیه انقلاب ایران و برای سرنگون ساختن جمهوری اسلامی ایران متوقف نشده و باید هر لحظه در انتظار انجام توطئه جدیدی برای نیل به این هدف شوم بود.

ما هشدار مؤکد خود را به مقامات مسئول و همه مردم ایران تکرار می‌کنیم.

برنامه عملی برای مقابله با توطئه‌های آمریکا نورالدین کیانوری:

ریشه کن کردن ضدانقلاب

دستگیری و مجازات حمله کنندگان به احزاب و اجتماعات را هر چه زودتر عملی کنید!

بیشتر از یک سال است که ضد انقلاب سازمان یافته، به میتینگ‌های احزاب و سازمان‌های سیاسی و همچنین دفاتر و مراکز نشریات آنها حمله می‌کند.

بازماندگان رژیم سابق مائوئیست‌ها و ساواک‌ها، که توسط سازمان مخفی ضد انقلاب، که در سوا و آنرا رهبری می‌کند، بسیج شده‌اند بیشتر از یک سال است که با مخفی شدن زیر نقاب اسلام و با شمار و حزب فقط حزب اله به تمام میتینگ‌ها و اجتماعات و دفاتر و مراکز نشریات آنها حمله می‌کنند. حاصل حملات آنها، که اغلب در مقابل چشم مأموران انتظامی و پاسداران انجام شده، چندین شهید و صدها زخمی است و برخی ساختمانها، کیوسکها و کتاب - فروشیها نیز زیر آتش دشمنان، اکنون در ایران کسائیکه خود را «حزب اله» می‌نامند، نزد مردم ما به عنوان شکل گرفته‌ترین نیرو - های ضد انقلاب شناخته شده‌اند.

از همان روزهای اول که ضد انقلاب یکی از ضوهای ایجاد افشاش خود را از طریق و حزب اله، به اجراء آورد، نیرو - های انقلابی و در راس آنها حزب توده ایران، که طرف حمله و اهاشان مهاجم بودند، و هشتادها و بارها ماهیت این حملات را فاش کردند و خواستار شناسایی، دستگیری و مجازات عاملان آن شدند و بیشتر از یک سال برای این خواست بنا فرسودند.

خوشبختانه در ۲۴ ساعت گذشته مقامات مسئول کشور اعلام کرده‌اند که اخلاک‌گرایان در اجتماعات گروه‌های سیاسی متقیب و بازداشت میشوند.

آیت‌الله مهدوی‌کنی وزیر کشور اعلام کرده‌است، «هر کس، به عنوان اعم بقیه در صفحه ۲

روزنامه اطلاعات دربارهٔ برنامه‌های عملی برای مقابله با توطئه‌های آمریکا از «برخی صاحب نظران، به اعتبار پیشینه سیاسی و مبارزاتی» آنها نظر خواسته است.

پاسخ رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، به این پرسش، در شماره ۱۵ اردیبهشت ماه روزنامه اطلاعات چاپ شده است، که در زیر به اطلاع خوانندگان گرامی نامه «مردم» می‌رساند:

با شکست تجاوز نظامی آمریکا در روزهای ۳ و ۴ اردیبهشت تنها مرحله ابتدائی توطئه - حمله - جانبه امریالیسم آمریکا و همدستش برای درهم شکستن انقلاب ایران ناقص مانده است ولی تردید نباید داشت که این حیوان وحشی زخم خورده، که با این شکست باز هم زخم تازه‌ای بر پیکرش زارد آمده است، از پس نخواهد نشست و چه پیش و چه پس از انتخابات مجلس، توطئه - های تازه‌ای را، یکس پس از دیگری تدارک خواهد دید و خواهد کوشید آنها را عملی سازد.

تاریخ دردناک کشور ما شاهد گویائی برای این واقعیت است، از ۳۰ تیر ۱۳۳۱ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ یک سری بی‌دردی توطئه - های کودتائی از سوی امریالیست - های امریکائی و انگلیسی و دارو - دسته شاه مخلوع انجام گرفت. تا بالاخره موفق گردید، نباید گذاشت که این تاریخ دردناک دوباره تکرار شود، باید از کلیه کمبوها و اشتباهاتی که راه را برای موفقیت کودتای ۲۸ مرداد آماده کرد، پند گرفت و به نظر من چنین اندیشه‌هایی که ما باید بگیریم و بدان عمل کنیم

بقیه در صفحه ۲

خلق کرد خواهان صلح و مذاکره است

● حل مساله کردستان تنها از طریق صلح و مذاکره، امکان پذیر است!

● با اعلام و تحکیم آتش بس و اعلام طرح مصوب دولت در پذیرش حقوق حقه خلق کرد، توطئه آتش افروزان را عقیم گذارید.

جنگ برادر کشی در کردستان ادامه دارد و هر روز دهها نفر از دوسو، پاسدار و پیشمرگ و سرباز، شهبه و سنی کرد و فارس در خون می‌فلطند و در این میان بیشترین ضایعه و تلفات از آن مردم رنج دیده کرد است و تنها بهره‌ای که دشمنان خلق کرد و فارس و دیگر خلقهای ایران، دشمنان انقلاب بزرگ ضد امریالیستی و خلقی ایران، یعنی امریالیسم آمریکا و رژیم بعثی عراق،

وضیعت در کردستان بشدت متشنج و بشدت پیچیده است. غیر از وابستگان مستقیم به ایلزبان وادسی و غیره و غیر از آن گروه‌هایی که مانند کومه له، زرگاری، وابستگان شیخ عثمان و شیخ جلال و نظامی آنها مستقیماً در خدمت ضد انقلاب اند و بابت عراق همکاری نزدیک و همه جانبه دارند، امروز دیگر مسلم است که ضد - انقلاب توانسته است در میان سایر گروه‌های کرد هم نفوذ کند و میکوشد تا در موارد حساس سیاست این گروه‌ها را تحت تأثیر خود قرار دهد.

ارتش در کردستان از نیروها و عناصر وابسته به رژیم مغرور پهلوی هنوز تصفیه نشده است و همین دلیل وجود کسائی چون علویها، ضد انقلابیون پایگاه نیروی هوائی تبریز و... در سقوط مسلح است. اطلاعاتی درست است که برخی از فرماندهان در دامن زدن به آتش جنگ برادر کشی فعالیت شرکت دارند.

تنها از پیکره می‌توان ضد انقلاب را درهم کجا که هست ویران کرد. هر زمینه‌ای که فعالیت می‌کند، مغرور ساخت و آنرا درهم کوبید، این راه اعلام صریح و قاطع آتش بس و تحکیم آن و اعلام مصوبات دولت در تأمین پذیرش حقوق حقه خلق کرد است. تنها در چنین صورتی است که دست توطئه ضد انقلاب بسته می‌شود و هر گونه اقدامی از سوی آن، با افشا و درهم کوبیده شدن همراه می‌گردد.

واقعیت نشان میدهد که خلق کرد، هر لحظه بیشتر خود را از «داخل» و بی‌انگیزگی چنگ طلبانه گروه‌های ضد انقلابی جدا می‌سازد و از تمایل و مسامحه گروه‌های دیگر در پیوند قاطع راه صلح و مذاکره، ابراز نارضایتی می‌کند.

خلق کرد خواهان صلح است، او بخوبی می‌داند که آن کس که در این راه زیانکار اصلی است، تنها او و انقلاب بزرگ ایران است و آنکس بیشترین بهره را از ادامه جنگ برادر کشی می‌برد که برای نابودی دستاوردهای انقلاب ایران که خلق کرد نیز در کسب آن، سهم نمایان داشته است، تمام قوای خود را بکار برده و می‌برد.

خلق کرد اگر در گذشته هنوز بهمان پی نبرده بود، ولی اکنون میدانند که رهبری انقلاب و نیروهای پیکر هوادار انقلاب ضد امریالیستی و خلقی ایران خواستار جنگ برادر کشی نیستند و این تنها دام فریب ضد انقلاب است که از دوسو بر آتش کینه و تفرقه،

بقیه در صفحه ۷

در صفحات بعد

۲۱ سال از خاموشی افرشته شاعر توده‌ای گذشت

سندی دیگر از حقوق بشر آمریکایی... نقدی بر فیلم محکوم به اعدام

تأسیسات عظیم ورزشی اتحاد شوروی در انتظار ورزشکاران جهان

پیام کنفرانس احزاب کمونیست و کارگری اروپا به ملل اروپا

صدها خانوار روستایی سیمستانی در چنگال مشکلات

رنج‌ها ادامه دارد گزارش از وضع کار و زندگی سبکتران میدان شوش

پیکاری در آمریکا روبه افزایش است

هشدار دیگر برای هشیاری

امریالیسم آمریکا در پی تهدیدات خود مبنی بر تکرار توطئه علیه انقلاب ایران، چهار هلیکوپتر نظامی به خاک ایران گسیل کرد که از این تعداد، یک هلیکوپتر در حوالی کرمان فرود آمده و رها شده است. ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران این خبر را تأیید کرده و آیت‌الله مهدوی‌کنی نیز احتمال تهاجم جدید نظامی را تصدیق کرده است.

این واقعات نشان میدهد که امریالیسم آمریکا شدیداً به برای واگردد سازی جمهوری اسلامی ایران را یکسری کند و تمام قوای خود را در این راه بکار انداخته است. این واقعات هشدار جدی به مسئولین جمهوری اسلامی ایران و رهای متعهد و مسئول را تجدید می‌کند و نشان میدهد که چنانچه پس موجودیت انقلاب ایران را تهدید می‌کند.

این واقعات ضرورت بی‌قید و شرط طوفوری پیکری و سرکوب تمام ضد انقلاب سازمان یافته و اتحاد مستحکم ضد امریالیستی بین نیروهای مترقی و انقلابی را یادآور میشود.

خطر نزدیک و مهلک است. باید با تمام قوا و بی‌هیچ تردید، مسامحه به اقدام برخاست، جنگ برادر کشی در کردستان را فاصله نهد اتحاد نیروها را تأمین و تحکیم کرد و ساواک را در هم کوبید. دستاوردهای واقعا موجود انقلاب ایران در خطر است. برای دفاع از این دستاوردها متحد شویم.

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران در باره مرحله دوم انتخابات مجلس شورای املی در تهران

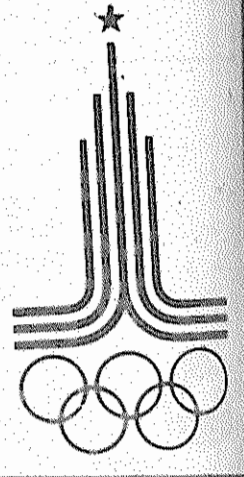
از آنجا که کاندیداهای حزب توده ایران در انتخابات مجلس شورای املی در تهران، بدلائی که در ارزیابی نهائی کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره انتخابات مجلس شورای املی توضیح داده شده است، جزو کاندیداهائی که میتوانند در مرحله دوم انتخابات شرکت کنند، قرار نگرفته‌اند، حزب توده ایران به پیروی از سیاست اصلی خود درباره اتحاد نیروهای خلق در مبارزه با خطر تبهیت و سهم و گسترش دستاوردهای انقلاب بزرگ مردم ایران، از همهجانبه‌ای و بی‌طرفانه، که جزء نیروهای انقلابی بشمار می‌روند و دارای رای‌های گوناگون سیاسی و عقیدتی هستند، در مرحله دوم انتخابات مجلس شورای املی در تهران پشتیبانی میکند.

دکتر کاظم سامی کرمانی
مسئود رجوی
سید محمد کاظم موسوی بجنوردی

در شهرستانها نیز سازمانهای حزبی به پیروی از همین سیاست از کاندیداهای شایسته در مرحله دوم انتخابات پشتیبانی خواهند کرد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۳۵۹/۲/۱۵

تأسیسات عظیم ورزشی اتحاد شوروی در انتظار ورزشکاران جهان



● در شوروی ۲۰ میلیون نفر می‌توانند در آن واحد در تأسیسات ورزشی این کشور ورزش کنند.

● در بزرگترین استادیوم‌های سرپوشیده اروپا مسابقات المپیک برگزار خواهد شد.



میکنند. از جمله بخش آخرین رویدادها و تحولات ورزشی جهان از ۱۶۹۹ استادیوم (که ۷۰۰ ساعت از برنامه‌های سالیانه را دربردارد) را در بر می‌گیرد) و بخش تلویزیونی از ۱۲۱ مرکز. البته به جز استادیوم‌های ده که ۸۰۰ ساعت برنامه را اشغال می‌کند.

در ارتباط با این امکانات بود که کمیته بین‌المللی المپیک، در تاریخ ۲۴ اکتبر ۱۹۷۴ تصمیم گرفت که امر برگزاری بازیهای المپیک ۱۹۸۰ را به مسکو محول کند و این برای اولین بار در تاریخ است که یک کشور سوسیالیستی میزبان برگزاری بازیهای المپیک می‌شود.

المپیک ۱۹۸۰ و تأسیسات و امکانات آن

اتحاد شوروی، علاوه بر این امکانات، برای هر چه باشکوه‌تر برگزار کردن بازیها، امکانات دیگری را نیز به این مجموعه افزوده است. از بازسازی ورزشگاه‌ها گرفته تا ساختن استادیوم‌های جدید.

تأسیسات ورزشی مسکو هر چه بیشتر توسعه یافته است. از جمله ده تأسیسات ورزشی عمده‌ای که در دست ساختمان است، یکی هم استادیوم سرپوشیده ۴۵۰۰۰ نفری است که در نوع خود بزرگترین مدرسه اروپاست. سالن اصلی این استادیوم در واقع لزوم بوسیله یک پل عایق صدا بدو قسمت تقسیم می‌شود. کمی توان در یکی مسابقات بسکتبال و در دیگری مسابقات بکس را انجام داد. یک مرکز ورزشهای آبی نیز در مجاورت استادیوم سرپوشیده قرار داده. این مرکز آبی برای اولین بار در این امکان را می‌دهد که رقابت‌های ورزش آیسکو و شنا در استخرهای جداگانه انجام شود. از دیگر تأسیسات در دست ساختمان می‌توان از تأسیسات اسب سواری، زمین فوتبال و دوومیدانی، یک بیست دوچرخه سواری (که در نوع خود بزرگترین بیست اروپاست) و یک مسیر دوچرخه سواری درجه‌دار نام برد.

المپیک و مطبوعات

۳۱۰۰ روزنامه‌نگار از روزنامه‌ها، مجلات و نگاههای سخن‌پراکنی، ۴۰۰ عکاس ورزشی، ۱۰۰ فیلم‌بردار تلویزیونی و بیش از ۸۰۰ مفسر رادیو تلویزیونی و حدود ۳۰۰ تولیدکننده تلویزیونی، فیلم‌بردار و تکثیرکننده، که در مجموع ۷۴۰۰ نفر می‌شوند، وقایع رویدادهای ورزشی بیست و دومین دوره بازیهای المپیک را برای مردم جهان گزارش خواهند کرد.

ورزشکاران طراز اول. مسئله مهم دیگری که وجود دارد، ورزش در حین کار است که به زمین‌های در حین کار معروف است و قریب ۳۰ میلیون کارگر را در بر می‌گیرد.

هم‌اکنون در اتحاد شوروی بیش از ۳۵۰۰ استادیوم، ۶۵ هزار اسب سواری، ۱۳۰۰ مرکز بازیهای آبی، ۶۰۰ مرکز اسکی، ۱۰۰ استادیوم سرپوشیده، ۸۳ پست اسب سواری، ۷۷ کلوب قایق سواری و ۹۹ پست پرش اسکی وجود دارد. در این مجموعه ۲۰ میلیون ورزشکار می‌توانند در آن واحد به ورزش بپردازند.

گذشته از این امکانات، به ملت اینکه در اتحاد شوروی افراد از پانزدهمین تا سی و دومین سالگی با ورزش آشنا می‌شوند، برای تربیت هر چه بیشتر افراد تسهیلات زیادی در نظر گرفته شده است. ورزش یکی از دروس اجباری از کلاس اول تا دهم است؛ درست مانند ریاضیات، فیزیک، شیمی، زبان و غیره. بعد از کلاسهای درس، کودکان و نوجوانان می‌توانند در رشته‌های مختلف ورزشی مورد علاقه شرکت کنند و افرادی که استعداد ورزشی آنها بیش از حد متوسط باشد، می‌توانند در یکی از ۵۶۴۸ مدرسه مقدماتی ورزش شرکت کنند. از این تعداد، ۷۰۰ مدرسه تخصصی است و کودکان و نوجوانان را در یک ورزش بخصوص آموزش می‌دهند. بقیه آنها نیز دارای رشته‌های مختلف ورزشی است.

پس از مدارس مقدماتی، شاگردان بنا به کاری که در پیش می‌گیرند، می‌توانند به انجمنهای ورزشی که در محیط کارخانه یا کارگاه وجود دارد، وارد شوند. این انجمنها خدمات ورزشی مختلفی را در اختیار این افراد قرار می‌دهند. بیش از ۸۰ هزار مربی با کمک ۶ میلیون دستیار وظیفه تربیت و تربیت ورزشکاران را عهده دارند. برای تعلیم این مربیان حرفه‌ای، ۲۳ انستیتو فنیهای فیزیکی، بخشهای تخصصی آموزشکاران، انستیتوهای علمی و کالج‌های ویژه تربیت بدنی در نظر گرفته شده است.

در اتحاد شوروی مطبوعات ورزشی و رادیو تلویزیون نیز نقش بسیار مهمی را در پیشبرد ورزش ایفا می‌کنند. مطبوعات مختلف با گزارشهای ورزشی روزانه خود درباره اتفاقات مهم ورزشی سعی در ترویج آن‌ها دارند. هر چه بیشتر ورزش در دسترس باشد، در دسترس ۱۵ روزنامه، ۱۱ مجله، ۸ کلاسسیون و ۳۷ بولتن ورزشی بیاترک چگونگی فعالیت‌های مطبوعات ورزشی است.

رادیو تلویزیون نیز با اختصاص دادن امکانات وسیع خود به این امر کمک‌های توجیهی گرفته‌اند.

در پایان گردهم‌آیی احزاب کمونیست و کارگری اروپا، که در پاریس تشکیل شد، پیامی زیر عنوان «در راه صلح و خلع سلاح»، خطاب به همه ملل اروپا انتشار یافت، که از لحاظ اهمیت آن، نامه «مردم» خلاصه‌ای از آنرا چاپ می‌کنند:

تشدید دیوانه‌وار مسابقه تسلیحاتی، باعث نگرانی همه‌شما شده است. نگرانی شما خلق‌های اروپا در مورد انباشت وسایل انهدام مرمیبار در اروپا کاملاً بجاست. سرنوشت این قاره پر جمعیت در معرض تهدیدات وسایلی قرار گرفته است که حقا باید صرف بر طرف ساختن نیاز مندیها و کمک به پیشرفت و آینده ملت‌های اروپا گردد. اما این وسایل اکنون دیوانه‌وار بهر میروند.

کارزار جنگ‌روانی، که اخیراً در مورد جنگ حکم فرما شده است و هدفی جز فروبرون جهان در کام جنگ سرد ندارد، نتایج شومی برای امر صلح، تشنج‌زایی، اعتماد متقابل و همکاریهای بین‌المللی بدنبال دارد. هم‌اکنون میخواهند وسایل نظامی جدیدی را در قلب اروپا مستقر کنند. اقدامات تازه‌ای در جهت از بین بردن دستاوردهای تشنج‌زایی در دست اجراء است. نکته موافقت‌هایی که تا کنون انجام گرفته، بلکه مذاکرات جاری، روابط اقتصادی، فرهنگی، ورزشی، و انسانی نیز زیر ضربات شدید قرار

تهادای فرهنگی هر جامعه همراه با بشر فتهایی که در زمینه‌های علم و صنعت بدست می‌آید، به پیش می‌رود. نهادهای فرهنگی هر جامعه بیاترک سطح زندگی عمومی، طرز تفکر و سلیقه‌های آن جامعه است.

ورزش نیز بخشی از فرهنگ هر جامعه است و در روز پیش با زندگی مردم در هم می‌آمیزد و جزئی، یا بهتر بگوییم، از ضروریات زندگی مردم می‌شود.

در چند دهه اخیر، کشورهای سوسیالیستی بدلیل اینکه اهمیت ویژه‌ای برای ورزش قائل هستند، به پیش‌روها و موفقیت‌های چشمگیری در این زمینه دست یافته‌اند و کشورهای امپریالیستی را پشت سر نهاده‌اند، همچنانکه در بازیهای المپیک ۱۹۷۶ از ده کشور سده‌نشین، ۷ کشور سوسیالیستی بودند و تیمهای اتحاد شوروی و جمهوری دموکراتیک آلمان اول و دوم شدند.

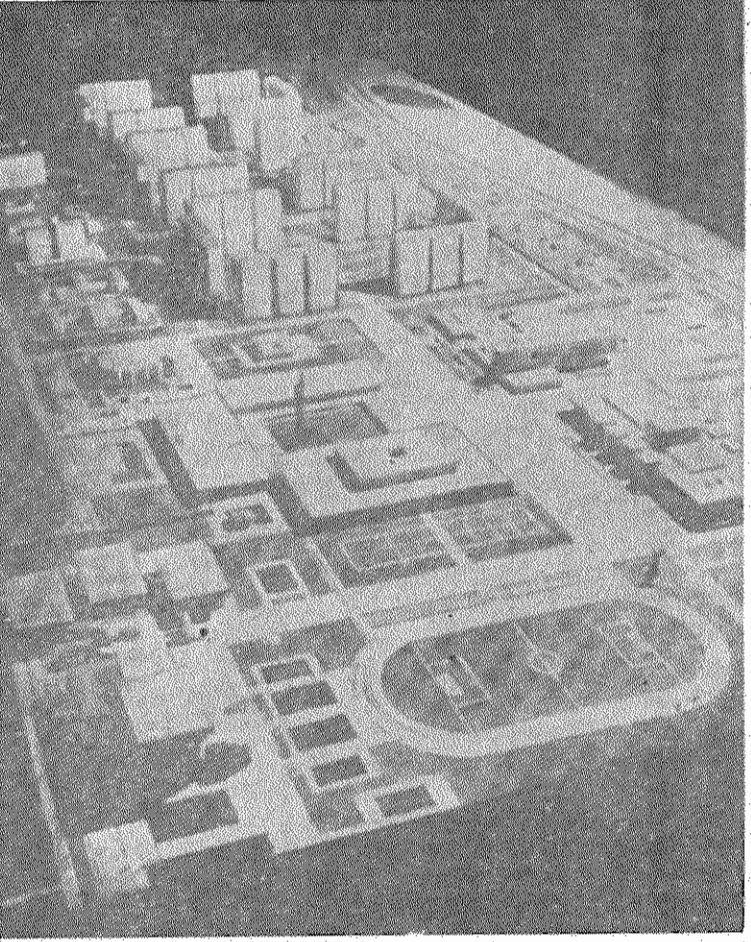
این پیشرفت‌ها دینی پیشرفت‌هایی است که کشورهای سوسیالیستی در زمینه‌های علوم و صنایع دست آورده‌اند و تأثیر آن نیز بخوبی در نهادهای فرهنگی این کشورها مشاهده می‌شود. کشورهای سوسیالیستی بخوبی از آخرین دستاوردهای علمی برای پیشبرد امر ورزش استفاده میکنند و هر روز پیشرفت‌های بیشتری را با آن دنیا می‌سازند.

به همین دلیل است که کشورهای سوسیالیستی برای پیشبرد ورزش امکانات و تأسیسات وسیعی اندک دیده‌اند و هر روز نیز آن را بیشتر گسترش می‌دهند. از ساختن ورزشگاه‌ها استادیوم‌ها وسایل ورزشی گرفته تا تأسیسات مطبوعات ورزشی را از رادیو تلویزیونی می‌چینند.

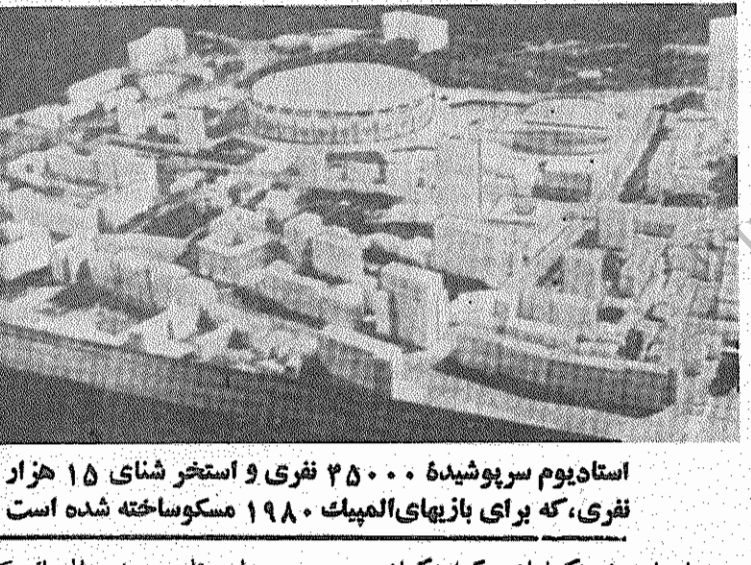
آمار تأسیسات و امکاناتی که در اتحاد شوروی وجود دارد و تعداد افرادی که به ورزش می‌پردازند، بر روی بازیهای چشمگیری که در سالهای اخیر کشورهای سوسیالیستی بدست آورده‌اند، بیاترک است که این کشورها برای ورزش قائل شدند.

دولت اتحاد شوروی هزینه فنی‌های تربیت‌دهی ورزشی را بر عهده دارد و هزینه‌های مربوط به ورزش نیز در بودجه سالیانه دولت گنجانده میشود. تنها ۱۲ میلیارد روبل در سال ۱۹۷۱ به این امر اختصاص داده شد و این علاوه بر کمک‌های بودجه‌ای از طرف اتحادیه‌های کارگری، نهادهای صنعتی و مزارع اشتراکی و افزون بر تسهیلات دیگر ورزشی شده بود.

در اتحاد شوروی قریب ۲۲۰/۰۰۰ گروه تربیت‌دهی و مرکز فنی‌های ورزشی در سطح نهادهای وجود دارد، که هدف آنها پیشبرد خدمت‌رسانی در سطح تربیت سالم بدن است تا تربیت



نمایی از دهکده المپیک مسکو



استادیوم سرپوشیده ۴۵۰۰۰ نفری و استخر شنای ۱۵ هزار نفری، که برای بازیهای المپیک ۱۹۸۰ مسکوساخته شده است

برای این خبرنگاران و گزارشگران تسهیلات فراوانی در نظر گرفته شده است، که ندرتین وسایل مخابراتی از تلفن و تلگراف گرفته تا دوربین‌ها و فرستنده‌های تلویزیونی را در بر می‌گیرد. حدود ۵۰ استگاه سمارت‌سند تلویزیونی و رادیویی برای ضبط و پخش مسابقاتی نظیر قایق‌رانی، دوومیدانی و مادراتن برای خبرنگاران مطبوعات در نظر گرفته شده است. همچنین برای این بازیها حدود ۱۵۰۰۰ کانال تلفن و ۲۰۰۰۰ کانال تلگراف و تلکس بین‌المللی در مسکوساخته شده است.

تسهیلات تلویزیونی بازیها

مراسم گشایش این دوره از بازیها را نمی‌توان تصور کرد، درحالی که این رویداد در تمام نقاط جهان از طریق تلویزیون و رادیو پخش خواهد شد. موزن ال به یک میلیارد و ۵۰۰ هزار نفر بالغ می‌شود.

مستلزمای مردم است. در راه مبارزه برای صلح و خلع سلاح، ما کمونیست‌های اروپا آماده بحث، مشاوره و عمل مشترک هستیم. ما امیدواریم که کلیه نیروهای صلح‌دوست، در جهت تحقق این اهداف گرد آیند، صرف‌نظر از اینکه ملیت، امال و آرمانها و نحوه زندگی ما چه باشد، امر از کمونیستها، سوسیالیستها، سوسیال دموکراتها، مسیحیان و معتقدین به سایر ادیان که، ما اعلام می‌کنیم:

«صلح از آن ماست».

هدف از این گردهمایی جستجوی ابتکارهای متنوع در راه تحقق بخشیدن به دیدارها و مباحثات وسیعتر است، آماده‌ایم با نیروهایی که در ادامه کنفرانس هلسنکی و در دورنمای گردهمایی آینده در مادرید خواستار اقدام جهت تشنج‌زدایی و کشیدن راه برای تسلیحات در قاره اروپا هستند، با هر شکلی که مناسب شمرده شود، وارد گفتگو و تبادل نظر شویم.

زنان و مردان با حسن نیت همگی مشترکاً چه در کشور خود و چه در مقیاس اروپا، عمل کنیم. وحدت ما ضامن پیروزی، پیشرفت، خوشبختی و صلح خواهد بود.

پاریس، ۲۹ آوریل ۱۹۸۰

سلاح، همکاری و دوستی میان خلقها هستیم. ما بشما می‌گوییم: صلح از آن همه ماست. و عمل مشترک ما وثیقه پیروزی است. همه با هم در جهت امضای موافقت‌نامه سانت ۲ در کوتاهترین مدت و در راه سرانجام مذاکرات برای تسلیحات استراتژیک بکوشیم. برای پیشرفت موثر مذاکرات وین و تسلیحاتی صلح و تسلیحات نظامی مبارزه کنیم و از برداشتن حتی کوچکترین قدمی برای دستیابی به این هدف و هم‌چنین جهت ایجاد مناطق فاقد سلاح هسته‌ای دریغ نورزیم.

در جهت برگزاری دیدار مادرید در سال ۱۹۸۰، که هدف آن امنیت و همکاری در اروپاست، مبارزه کنیم، در راه تحکیم تشنج‌زدایی سیاسی و تشنج‌زدایی نظامی بکوشیم، در جهت اجرای کلیه مفاد قطعنامه‌های هلسنکی توسط کلیه دولت‌ها فضا لیت کنیم، در جهت برگزاری کنفرانس اروپا در ورشو برای تشنج‌زدایی و خلع سلاح عمل کنیم، با جدیت هر چه تمامتر خواهان اجرای تصمیمات اجلاس فوق‌العاده سازمان ملل متحد در مورد خلع سلاح باشیم، مطابق با خواست کشورهای غیرمتحد و منافع تمامی بشریت بکوشیم، تا کلیه وسایلی که در راه افزایش مسابقه تسلیحاتی بکار می‌رود، از این پس در راه پیشرفت جامعه و مبارزه با گرسنگی بکار بیرون.

آری، امروز مبارزه در راه خلع سلاح هسته‌ای

برای نیل به صلح و همکاری مستحکم و دراز مدت، خلق‌های قاره اروپا بایستی بس گزافی برداشته‌اند. سی و پنجمین سالگرد پیروزی برهیتلبر مناسب دیگری است که نشان میدهد تا چه اندازه صلح بحق به‌مثابه یکی از اولین حقوق بشر و یکی از بزرگترین ارزشهای انسانی بشمار می‌رود.

همه‌ما، صرف‌نظر از آنکه در کدام یک از کشورهای اروپا زندگی کنیم، قربانی این مسابقه خطرناک تسلیحاتی هستیم. این منطقه از جهان دارای امکانات انسانی و اقتصادی قابل ملاحظه‌ایست که تمام بشریت بدان نیازمند است.

لیکن ما کمونیستها حتی تصور انهدام این امکانات و ارزشها را باطل می‌شمریم و از ثروتهای فرهنگی و تاریخی قاره اروپا، که جزء مایملک تمامی انسانیت است، محافظت می‌کنیم.

جستجوی راهی برای حل مسائل موجود از طریق مذاکره، تسلیحات و نیروهای مسلح، نیل به خلع سلاح طبق اصل حفظ امنیت مساوی برای طرفین و تضمین تائمیات لازم برای دولت‌ها و خلق‌ها، بنفع همه ماست.

هر کجا باشیم، هر کجا باشیم، نیروی لازم برای این کار هست.

ما کمونیستها، انسان‌هایی صلح‌دوست و خواهان خلع-

سام کنفرانس احزاب کمونیست و کارگری اروپا به ملل اروپا

تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

اخبار کارگری

شرکت کامینوس ایپروتوس حقوق کارگران ایرانی را پایمال میکند

شرکت کامینوس ایپروتوس واقع در بندر خمینی (شاهپور سابق) کار ایجاد ترمینال باراندازی، اسفالت و بتن‌ریزی را برعهده داد. تعداد کارکنان ایرانی این شرکت ۲۰۰ نفر و کارکنان خارجی حدود ۴۰ تا ۴۰۰ نفر است. کمبود ۲۰ نفر از کارکنان خارجی شرکت پروانه کار ندارند. شرکت اسپانیایی است و در مورد استخراجه و اخراج کارگران قوانین کار را مراعات نمی‌کند.

حداقل حقوق کارگران ساعتی ۷۱ ریال و حداکثر ۸۱ ریال است. کارگران هر روز ۱۲ ساعت کار می‌کنند. آنها بارها تقاضا کرده‌اند که کارکنان خارجی بدون پروانه کار را، که موجب ارزانی نیروی کار کارگران ایرانی و بیکاری آنان هستند، اخراج کنند، ولی کارفرما توجهی به خواست آنها نکرده است. در زمانی که بسیاری از کارگران ایرانی بیکار هستند، به هیچ وجه به صلاح انقلاب نیست که نیروی کارگران خارجی را بکار گیریم.

ما از مقامات مسئول تقاضا می‌کنیم که نسبت به این امر توجه کافی مبذول دارند.

کارفرمایان خودکامه را از کارخانه اخراج کنید

چندی پیش عده‌ای از کارگران کارخانه آجر فشاری لنکوه آمل، بخاطر دریافت حقوق مسکن، دست به مبارزه زدند. کارفرمایان برای مقابله با آنها دست‌باز توطئه شدند، باین ترتیب که مدت ۲۷ روز در کارخانه حاضر نشدند، تا کار کارخانه بخوابد. کارگران هر روز سر کار حاضر شدند و با جدیت هر چه تمامتر به کار خود ادامه دادند. پس از ۲۷ روز کارفرمایان به کارگاه بازگشتند و از کارگران خواستند که از حق مسکن خود صرف‌نظر کنند. کارگران راضی به بخشش نشدند و به کارفرمایان گفتند که هرگز از حق خود نخواهند گذشت. کارفرمایان که وضع را چنین دیدند، دست به توطئه دیگری زدند و آنها را اخراج کارگران با اتهام «اخلاق‌گری» بود. این قرعه‌برد آغازین یکی از فاضل‌ترین کارگران اصابت کرد.

کارگر اخراجی دادا و فروردین ماه سال جاری رسماً از اداره کارخواست تا بازرسانی به کارخانه آجر فشاری گیل دارند و از ۴۰ نفر کارگر کارخانه در این باره تحقیق کنند که حق با کیست. اداره کار شهرستان آمل هنوز به این خواست ترتیبی نداده است.

بجاست مسئولین امر هر چه زودتر خواست قانونی کارگران را مورد توجه قرار دهند و به خودکامگی کارفرمایان پایان بخشند.

کارگران پیمانکار پنهان خمینی را دریابید

در بندر امام خمینی (شاهپور سابق)، پیمان کارانی کار می‌کنند که کارشان تخلیه بار کشتی‌هاست. پیمانکار حکم تخلیه کشتی را از اداره کل بنادر و کشتیرانی می‌گیرند. تخلیه محموله‌های مختلف، قیمت‌های متفاوتی دارد. مثلاً برای تخلیه هر تن آهن، ۱۱ الی ۱۲ تومان و هر تن برنج ۲۵ تومان به پیمانکار پرداخت می‌گردد.

کارگران پیمانکار، که تعداد آنان بیش از سه هزار نفر است، معمولاً دهقانانی هستند که بملت قرض‌دهند و فشار زندگی ازدهات اطراف به پیمانکاران، ایده هندپیمان و کرمانشاه بامید دیده‌اند. کار پیمانکار به این بندر می‌آید. نحوه کار این کارگران کارمندی و محل زندگی‌شان صندوقهای بزرگ کتخته‌ای است. کارگران در سرما و گرمای طاقت فرسا، بدون برقراری آب و سایر وسایل اولیه زندگی، در این مکانها با وضع اسفناکی روزگار می‌گذرانند.

پیمانکار هنگام پرداخت کارمزد کارگران حتی قوانین ضد کارگری طاقت راه مراعات نمی‌کند و به پیمانکارهای مختلف از حقوق ناچیز کارگران به سود خود کم می‌کند.

پس از پیروزی انقلاب، کارگران انتظار داشتند که از شدت استثمار بی‌رحمانه آنان کاسته شود. به این امید کارگران بارها خواست‌های حق طلبانه خود را با مقامات مسئول در بندر ماهشهر و مرکز استان در میان گذاشتند. اما تاکنون هیچ‌گونه پاسخی به کارگران داده نشده است.

یکی از این پیمانکارانی شخصی است که در رژیم سابق شده مدیر عامل شیروخورشید بندر خمینی بوده و فلان در آمریکا سرمایه‌دار و ولی طبق روال گذشته سودهای کلانی به کسبه‌اش ریخته می‌شود. کارگران این پیمانکاری خواست‌های خود را بشرح زیر اعلام کرده‌اند:

- ۱- رسمی کردن کلیه کارگران واجد شرایط،
- ۲- بیمه درمانی کلیه کارگران،
- ۳- پرداخت عیدی سالانه معادل یک ماه حقوق،
- ۴- پرداخت حق مسکن به کارگران موجود و متاهل تا زمان تأمین مسکن برای آنان،
- ۵- تأمین سریع مسکن،
- ۶- پرداخت حق ناهار مناسب،
- ۷- پرداخت حق ایاب وذهاب،
- ۸- تأمین آمبولانس برای رساندن بیماران به بیمارستان،
- ۹- مجوز کردن کارگران به لباس و وسایل ایمنی،
- ۱۰- ایجاد سالن غذاخوری،
- ۱۱- پرداخت حقوق ایام تعطیل،
- ۱۲- ساختن سرای حمام،
- ۱۳- ساختن آشپزخانه،
- ۱۴- خلع ید از پیمانکاران در سراسر منطقه.

اداره کارمحل و مقامات مسئول تاکنون هیچ‌گونه جواب مثبتی به این خواست‌های کارگران ندادند. دولت باید در این شرایط حساس هر چه سریعتر به وضع این پیمانکاری و پیمانکارهای مشابه در منطقه (دهستانی، رحمانی، الهیاری، پورتوکو و...) رسیدگی کند، تا از سوءاستفاده خدا انقلاب جلوگیری شود.

سنگتراشان میدان شوش

رنج‌ها ادامه دارد



پک کارگاه سنگ تراشی در میدان شوش - در اینجا هیچ ضابطه‌ای وجود ندارد

حاصل کار طاقت‌فرسای زحمت محروم این حرفه است. مری ۸۰۰ الی ۹۰۰ در روز بازار فروخته می‌شود. زینت بخش دیوار کاشی‌های آن باشد. پای صحبت سنگتراشان می‌نشینم و به درد دل‌هایشان می‌دهم. بی‌مبصری که همه کار یک چیز می‌گویند.

در اینجا هیچ ضابطه‌ای وجود ندارد. هر وقت که کارگر بخواهد کارگران را بریزد می‌کند، ساعت کارخانه است و از بیمه و بهداشت محیط کار که اصلاً خبر نیست.

سنگتراشی اکثر کارگران را به بیماریهای ریویز ناراحتیهای تنفسی می‌کند. کمتر کارگری می‌شود که چشمش را از گرد و خاک ناشی از سنگتراشی از دست ندهد. این بیماریها می‌تواند در جوانی یا در سنین پیری ظاهر شود. در زمان کودکی یا در سنین پیری می‌تواند در سنین پیری ظاهر شود. در زمان کودکی یا در سنین پیری می‌تواند در سنین پیری ظاهر شود.

است که ابتدا سنگهای استخراج شده از معدن (بیشتر این معدن در نقاط مرکزی ایران است) به کارخانه‌های سنگتراشی که اکثر آنها در مسیر تهران - شهری قرار دارند، حمل می‌شود و در آنجا پس از بریدن سنگها برای حجاری به این کارگاهها ارسال می‌شود. سنگ حجاری شده، که

میدهند که از روستاهای اطراف لرستان و کردستان برای یافتن کار به تهران آمده‌اند و در اینجا بعنوان کارگران حجاری بکاری سخت و پر زحمت مشغولند. کارگران حجاری عموماً موقتاً و آمار ثابتی ندارند. این افراد ۱۵ الی ۶ ماه کار می‌کنند و بقیه سال را بده بر می‌گردند و اندوخته‌هایشان که تمام شده، مجدداً با سفر می‌بندند و به جای دیگر کوچ می‌کنند.

کارگران حجاری درازای هر متر مربع حجاری، ۱۲۰ الی ۱۵۰ ریال مزد می‌گیرند و اگر خیلی کار کنند در روز می‌توانند حداکثر ۱۰ متر مربع سنگ تراشند.

تنگتهای که در بندر ورود به کارگاههای سنگتراشی توجه‌شخص را جلب می‌کند، وجود پشه‌های کم سن و سالی است که با لباسهای مندرس و رخساری زرد دوشادوش پیر مردان ۶۰ - ۷۰ ساله، که دیگر توانی برایشان ندارند، در میان کس و دوخاک تپه بر سنگ می‌زنند، حال آنکه این پشه‌ها می‌تواند در سنین پیری کانون خانوادها باشد و پسر مردان نیز در خانه‌ها و استراحتگاهها، شکل کار حجاری بدبصورت است که ابتدا سنگهای استخراج شده از معدن (بیشتر این معدن در نقاط مرکزی ایران است) به کارخانه‌های سنگتراشی که اکثر آنها در مسیر تهران - شهری قرار دارند، حمل می‌شود و در آنجا پس از بریدن سنگها برای حجاری به این کارگاهها ارسال می‌شود. سنگ حجاری شده، که

خیابان فدائیان اسلام است، نسبتاً از اهمیت بیشتری برخوردارند. اکثر این کارگاهها ساخت قدیمی‌شان را حفظ کرده‌اند، یعنی بی‌غولهای هستند از چوب، آجر و گچ و چنان درهم فرو رفته و تنگه‌هم قرار گرفته‌اند که مشکل بتوان در کارگاه مجزا را از هم تشخیص داد.

کارگاه‌های بی‌دروغی، نه از گزند سوز و سرما زستان در امانند و نه از گرمای تابستان. و تازه تا همین چند سال پیش مجبور بودند بتوانند اجاره ماهیانه ۱۵۰۰۰ الی ۲۰۰۰۰ ریال بپردازند. تنها پس از انقلاب بود که سنگتراشان ابتدای خیابان فدائیان اسلام موفق شدند که کارگاه‌هایشان را از قرار هر متر مربع ۴۰۰ ریال از صاحبان اصلی‌شان بخرند و با تحمل مشکلات زیاد چهار دیواری‌ای برای خود بسازند.

صاحبان اکثر این کارگاهها کوچک، سنگتراشان هستند که سالیان سال در کارگاه‌های دیگر خاک خورده و شاکردی کرده‌اند، تا اینکه خود صاحب کارگاهی شده‌اند. از آنجا که این افراد شخصاً در کارگاه‌هایشان کار می‌کنند و ضمناً در آمدشان نیز چندان زیاد نیست، میتوان آنها را جزو اقشار زحمتکش شهری به حساب آورد. اما وضع درباره کارگران حجاری، بگونه‌ای دیگر است. تعداد تقریبی سنگتراشان در این منطقه در حدود ۲۰۰ الی ۲۵۰ نفر است که نزدیک به ۱۵۰ نفرشان را روستائیان تشکیل

در میدان شوش تهرای سدهای منتهای که از فرود تپه‌های سنگتراشان در روی سنگ سخت و مویزگی یکتاخت و ملال انگیزی را بوجود می‌آورد که قسمت قابل تحمل فوغازی گوشخراش اتوموبیل‌ها و فریادهای بارفروشان، دست‌وشان، حاکم بر میدان شوش را تشکیل می‌دهند. اعضای این اردکتر، نوجوانان و پیر مردانی هستند که گرد و خاک برخاسته از سنگ و پرنشسته بر چهره و مویشان به آنان ظاهری متحدالشکل داده است. این تشابه در زندگی پراورنج و محرومیت همه سنگتراشان و همه زحمتکشان نیز وجود دارد. آنچه در زیر می‌خوانید، گوشه‌ایست از کار و رنج سنگتراشان میدان شوش.

سنگتراشی از حرف‌های ربه افولی است که این روزها کمتر کسی به آن روی می‌آورد، تنها پیر مردان باقیمانده از نسل قدیم که به حرف دیگری آشنایی ندارند و در آمدشان تنها از این راه تأمین می‌شود، بدان مشغولند.

پس از ورود تکنولوژی و ماشین‌آلات به کشور و از جمله ماشین‌های سنگتراشی، دوران رونق و پردرآمد سنگتراشان بسر آمد. در حال حاضر اکثر کارگاههای سنگتراشی در تهران بطور عمده در حوالی میدان شوش، میدان خراسان و شهرری قرار دارند، که از آن میان تنها دو کارگاه، که بصورت دو مجتمع متوسط، یکی در برگیرنده ۶۰ کارگاه، واقع در ضلع جنوبی میدان شوش دیگری ۲۰ کارگاه واقع در ابتدای

چندی پیش به کارگران کارخانه نساجی شماره ۱ قائم‌شهر اطلاع دادند که برای کمک به سه نفر افغانی فراری، از حقوق هر یک از کارگران مبلغ ۵۰۰ ریال کسر خواهند کرد. کارگران به این دستور که از جانب شورای کارخانه صادر شده بود، سخت اعتراض کردند و دست‌جمعی به دفتر شورا

رفتند. اعضاء شورا که سخت دستپاچه شده بودند و پاسخی برای کارگران نداشتند، به کارگران گفتند: مگر ما به سیل‌زدگان کمک نمی‌کنیم؟ کارگران گفتند: چرا؟ ولی چایی که سیل‌نایمده، اعضاء شورا که حرفی برای گفتن نداشتند ناچار سکوت کردند و طبق معمول بر حسب «کونیست» به کارگران

چندین بار در وقت حق مسکن، دست به مبارزه زدند. کارفرمایان روز در کارخانه حاضر نشدند، تا کار کارخانه بخوابد. کارگران هر روز سر کار حاضر شدند و با جدیت هر چه تمامتر به کار خود ادامه دادند. پس از ۲۷ روز کارفرمایان به کارگاه بازگشتند و از کارگران خواستند که از حق مسکن خود صرف‌نظر کنند. کارگران راضی به بخشش نشدند و به کارفرمایان گفتند که هرگز از حق خود نخواهند گذشت. کارفرمایان که وضع را چنین دیدند، دست به توطئه دیگری زدند و آنها را اخراج کارگران با اتهام «اخلاق‌گری» بود. این قرعه‌برد آغازین یکی از فاضل‌ترین کارگران اصابت کرد.

کارگر اخراجی دادا و فروردین ماه سال جاری رسماً از اداره کارخواست تا بازرسانی به کارخانه آجر فشاری گیل دارند و از ۴۰ نفر کارگر کارخانه در این باره تحقیق کنند که حق با کیست. اداره کار شهرستان آمل هنوز به این خواست ترتیبی نداده است.

بجاست مسئولین امر هر چه زودتر خواست قانونی کارگران را مورد توجه قرار دهند و به خودکامگی کارفرمایان پایان بخشند.

یکی از این پیمانکارانی شخصی است که در رژیم سابق شده مدیر عامل شیروخورشید بندر خمینی بوده و فلان در آمریکا سرمایه‌دار و ولی طبق روال گذشته سودهای کلانی به کسبه‌اش ریخته می‌شود. کارگران این پیمانکاری خواست‌های خود را بشرح زیر اعلام کرده‌اند:

- ۱- رسمی کردن کلیه کارگران واجد شرایط،
- ۲- بیمه درمانی کلیه کارگران،
- ۳- پرداخت عیدی سالانه معادل یک ماه حقوق،
- ۴- پرداخت حق مسکن به کارگران موجود و متاهل تا زمان تأمین مسکن برای آنان،
- ۵- تأمین سریع مسکن،
- ۶- پرداخت حق ناهار مناسب،
- ۷- پرداخت حق ایاب وذهاب،
- ۸- تأمین آمبولانس برای رساندن بیماران به بیمارستان،
- ۹- مجوز کردن کارگران به لباس و وسایل ایمنی،
- ۱۰- ایجاد سالن غذاخوری،
- ۱۱- پرداخت حقوق ایام تعطیل،
- ۱۲- ساختن سرای حمام،
- ۱۳- ساختن آشپزخانه،
- ۱۴- خلع ید از پیمانکاران در سراسر منطقه.

اداره کارمحل و مقامات مسئول تاکنون هیچ‌گونه جواب مثبتی به این خواست‌های کارگران ندادند. دولت باید در این شرایط حساس هر چه سریعتر به وضع این پیمانکاری و پیمانکارهای مشابه در منطقه (دهستانی، رحمانی، الهیاری، پورتوکو و...) رسیدگی کند، تا از سوءاستفاده خدا انقلاب جلوگیری شود.

سالگرد شهادت یک رفیق توده‌ای



در تاریخ ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۷، یعنی در آغاز رشدهای و طوفانی مبارزات انقلابی مردم کشورمان علیه رژیم متفق‌طلبی، جنایتکاران وحشت‌زده و خشمگین ساواک، رفیق رحیم شیخ‌زاده، مبارز توده‌ای و عضو گروه منشعب از سازمان چریکهای فدائی خلق، را در خیابان نهای تهران شناسائی و دستگیر کردند.

ساواک برای بازگذاشتن دست خود در شکنجه نامحدود رفیق، شایع کرد که در هنگام دستگیری شهید شده است. اما واقعیت خلاف این بود و رفیق در زندان ساواک به شهادت رسید. رفیق شیخ‌زاده در یک خانواده زحمتکش در شهرمشکن - شهر بندینا آمد و در آن‌جا بزرگ شد و از همان دوران کودکی اجباراً همراه با پدرش خواندن، برای گذران زندگی شادوار خانواده خود کار نیز می‌کرد، وی خیلی زود به اعتراض علیه نظام فاسد، غارتگر و جنایتکار حاکم برخاست و به این علت مدتی نیز به زندان افتاد.

رفیق رحیم شیخ‌زاده پس از آزادی به مبارزه ادامه داد و همراه چندتن از دوستانش دست به تشکیل یک گروه زد. گروه وی ابتدا به سازمان چریکهای فدائی خلق پیوست، اما خیلی زود، بر اثر آگاهی از منعی نادرست و جدا از توده این سازمان، از آن جدا شد و سپس به گروه منشعب از سازمان چریکهای فدائی خلق، ملحق گردید.

رفیق رحیم شیخ‌زاده بواسطه صداقت انقلابی و تلاش بی‌پس برای کسب آگاهی سیاسی راه حزب توده ایران را برگزید و به هنگام شهادتش یک توده‌ای مومن بود. یادش گرامی باد!

رفقای حزبی! هواداران و دوستان اران حزب!

استاد حزبی (اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و...) منتشره در نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات به وسیع‌ترین شکل تکثیر کنید و به توده‌های مردم برسانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه مبسوم انقلابی است.

حرف حق را با همبستگی به کرسی بنشانیم

اعضاء شورا که در دیدند، تسلیم نظر کارگر کارگران حرف خود را به حق نبود. توانستند به مقابل حرف زور ایستادگی نشانند و ثابت کردند که آنها فقط با اتحاد و همبستگی پدید خواهند بود.

صد ها خانوار روستائی سیستانی در جنگال مشکلات

گذری به روستا

سیستان که از حاصل خیز ترین سرزمینهای کشور است، هر چند سال یکبار مورد حمله طبیعت قرار میگیرد. گاه چنان خشکسالی می شود که روستائیان زحمتکش، که با فقر شدید دست به گریبانند، مجبور به مهاجرت به دیگر نقاط ایران میشوند، و گاه آنقدر آب زیاد میشود که روستائیان در محاصره آب قرار میگیرند و مجبور به کوچ از روستای خود می شوند، تا به نقطه بلند و امنی پناه برند و خود را نجات دهند.

این بار ماجرا از هفدهم اسفند سال گذشته شروع شد. هینمندی، این رود خروشان، که زندگی دهقان سیستانی به آن وابسته است و بدون هینمندی زندگی آنها در این سال خروشید و بیشتر از هر سال سیستان را سیراب کرد و در نتیجه روستاهای واقع در شمال زابل و کناره دریاچه هامون، باز آباد شدن آب، بتدریج در محاصره آب قرار گرفتند.

تعداد روستاهای محاصره شده توسط آب، که تا ۵۹/۱/۳۰ تخلیه شده و یاد راحال تخلیه نشده، فزون از ۳۰ روستاست. روستائیان مصیبت دیده همچون یک لشکر شکست خورده، پنداز ترکخانه و کشتا نه خود، به همراه عائله و اقایه مختصرشان، سوار بر توتن میشوند و گاوهایشان نیز به همراهشان خود را به آب می زنند و به پیش می آیند تا به خشکی برسند. از آنجا مجبورند راهی را بطول ۵۷ کیلومتر، جوانها پایای پیاده به همراه گلهای گاو، و بزرگترها و بچهها سوار بر اسب و الاغ و یادر صورت توانائی با تراکتور، به سوی کوه خواجه، که نقطه مرتفع و امنی در شمال غربی زابل و در میان دریاچه و واقع است، طی کنند. در اینجا، یعنی در نقطه پایانی کوچ، روستائیان با حصارهای که به همراه خود آورده اند، کلبه هایشان را برپا می کنند و دامها را به بیز راهای وسیعی که در منطقه وجود دارد، میسپارند. البته در طول این مهاجرت پر مشقت، چادر خشکی و چادر آب، به دامداران سیستانی تلفات و خسارات زیادی وارد می آید، اما او به پندت از اینها هم عادت کرده و آن سلسله سردارهاست، که در بخشهای مختلف سیستان بصورت فئودال، قاجاچی و راهزن بر او حکمرانی کرده اند. در این هجرت، بازگشتی وجود دارد و آن زمانی است که آب دریاچه تمیز میشود و مراتع خشک، یعنی در اواخر تابستان، مجدداً دامداران سیستانی به روستای خود باز میگردند و مبارزه اش را از سر میگیرند.



دامداران سیستانی محاصره آب را شکافته و با گلهای خود به کنار دریاچه هامون رسیده اند



روستائیان، که وسایل را آماده کرده تا براه بیافتند، میرویم و با او به گفتگو می نشینیم. اسمش **داده خدا سیدی** است. چینهای صورتش حاکی از زحمات طاقت فرسای است که کشیده. هنوز آثار خستگی در چهره اش وجود دارد. شدیداً ناراحت است، امامصم. آماده است که با مشکلات توان فرسای دیگری هم دست و پنجه نرم کند. بنابه گفته خودش حدود ۳۸۵ سال دارد و ۹ نفر را نان میدهد. از او تعداد گاوهایش را میپرسیم. حدود ۳۰ رأس گاو و گوساله دارد که نیمی از آنها متعلق به دیگران است و در ازای هر گاو ماهانه ۶ کیلوگرم برای نگهداری آن میگیرد. تازه چندتا از آنها هم چون هوا تساریک بوده، در آب خفشده اند. میگوید:

مهاجران روستای **ریگک سارانی**، که با وزش باد، از نیمه شب چهارشنبه ۵۹/۱/۲۷، در محاصره آب قرار گرفتند، از همان ساعات نیمه شب مجبور به کوچ شدند. تا ۵۹/۱/۳۰ هنوز توتن ها و گاوها را می شکافتند و به پیش می آمدند، تا به خشکی برسند و راه طولانی کوچ را در پیش گیرند. بایکی از روستائیان به صحبت می نشینیم. اسمش **محمد علی سارانی** ۴۵ ساله است. اعضا خانواده اش ۱۰ نفر است و فاقد سواد. حدود ۱۵ گاو و گوساله داشته است. میگوید:

با وزش باد شدید در چهارشنبه شب، آب گرداگرد روستای ما را فراگرفت و مجبور به کوچ شدیم. شبانه توتن را به آب انداختیم و به همراه خانواده و دامها به آب زدیم. در بین راه توتن و الاگون شد و مقداری از وسایل مختصرمان به آب ریخت. چندتا از دامهایم نیز خفش شدند. بهر حال به خشکی رسیدیم و الان سه روز است که اینجا اطراق کرده ایم و منتظریم تا دیگران برسند و بسام به کوه خواجه برویم.

میپرسیم از طرف دولت چه کمکی به شما شده است؟ میگوید: در این سه روز تنها مقداری نان بما داده اند و دیگر هیچ. مسالاً اهل انتظار داشتیم حالا که انقلاب شده و سازمانها مردمی شده اند، کمکی بیشتری در اختیار ما بگذارند. لایق امکانات لازم، تا محل جدید زندگی را بر ایمان فراهم کنند و خیلی چیزهای جدید زندگیمان را در پیش بگیریم. آنگاه یادشید بود که مقداری از

وسایل منزلتمان به دریاچه افتاد و در تاریکی شب گمشد. میپرسیم: انتظار تو از دولت چیست؟ در جواب می گوید: «از گانهای مسئول کاری نکرده اند که من انتظاری داشته باشم. ماهه چادر، علوفه و به دیگر وسایل نیاز فوری داریم. حداقل، وسیله ای میخواهیم که بتوانیم با آن خانواده مان را به کوه خواجه ببریم. آخر مسافت کوه خواجه تا اینجا حدود ۱۰ فرسخ است و بچهها و زنها نمی توانند پیاده بروند و پولی هم نداریم تا تا آنجا بریم. کتیم که نیمی از آنها متعلق به دیگران است.»

بایکی از دانش آموزان روستا به گفتگو می نشینیم. اسمش حسین سارانی است و ۱۱ ساله. در کلاس پنجم ابتدائی درس میخواند می گوید:

حدود ۴ نفر محصل راهنمایی در روستا داریم، که اطاقی در روستای اویمی، واقع در ۱۸ کیلومتر از اینجا قرار دارد. هفته ای یک بار به روستا می آیند. دوسه نفر دانش آموز دبیرستانی هم هست که در زابل درس میخوانند و حدود ۴۰ دانش آموز دختر و پسر دبستانی، که به مدرسه های واقع در ۵ کیلومتری روستایمان می رفتند و حالا که مجبور به تخلیه خانه هایمان شده ایم، با اینکه فسل امتحانات است، باید در محل سکونت جدید به مدرسه برویم، که نزدیکترین مدرسه واقع در ۹ کیلومتری است.

تولوزیون روز پنجشنبه فیلمی تهیه کرده است و دیگر هیچ. از گانهای مسئول تنها مقداری نان به مهاجرین داده اند. چندتایی هم چادر نصب شده است و دیگر اثری از کمکهای از گانهای اجرایی نیست.

درددل روستائیان را شنیدیم. واقعات انجام شده را دیدیم. برای حل مشکلات و برطرف کردن نیازهای روستائیان محاصره شده در آب چه باید کرد؟ البته آنچه لازم است، احساس مسئولیت، درک اهمیت مسئله، اتخاذ تصمیم و تدارک وسائل اجرایی است. صحبت از مشکل ۳۴ روستا و شاید هم بیشتر از آن است. نباید فرصت به ضدا انقلاب داد تا از این مسئله بفرج خود بهره برداری کنند. در این منطقه ضدا انقلاب هست و فعال هم هست. آیا میتوان تنها با تهیه فیلم و خیر و انتشار آمارهای مختلف مشکل را بطور اساسی حل کرد، بدون اینکه کمکی اساسی به روستائی مهاجر شده باشد؟

چه کنیم تا وضع این مهاجران عادی شود، زندگی و کارشان احیا کرد و قاجحه در سالهای آتی تکرار نشود؟ دهقانان معتقد بودند که دولت جمهوری اسلامی ایران توده بایستی سرماً مشکلات این توده عظیم دهقانی را، که بحق بازوی انقلاب در روستاها هستند، برطرف کند. با آنکه به نیروی عظیم هم مردم زحمتکش است که انقلاب ضدا امپریالیستی و خلقی ایران، به رهبری قاطع و آشتی ناپذیر امام خمینی، در این لحظات حساس و تاریخی، که مشغول نبرد سر نوشت ساز با امپریالیسم جهانی و سر کردگی امپریالیسم امریکائیتیم، با موفقیت به پیش خواهیم رفت.

باهر کس که صحبت میکنی از مصائب و بدبختیهای می گوید و از انتظاراتی که از دولت دارد. طول این مدت تنها رادیو و

این گروه از دامداران سیستانی خود را نجات داده اند و حالا درباره آینده به گفتگو نشسته اند

دولت جمهوری اسلامی ایران توده بایستی سرماً مشکلات این توده عظیم دهقانی را، که بحق بازوی انقلاب در روستاها هستند، برطرف کند. با آنکه به نیروی عظیم هم مردم زحمتکش است که انقلاب ضدا امپریالیستی و خلقی ایران، به رهبری قاطع و آشتی ناپذیر امام خمینی، در این لحظات حساس و تاریخی، که مشغول نبرد سر نوشت ساز با امپریالیسم جهانی و سر کردگی امپریالیسم امریکائیتیم، با موفقیت به پیش خواهیم رفت.

دهقانان می نویسند:

روستائیان فتوح آباد را مجرد از مردم شیرو از برای مبارزه علیه مالکان بزرگ استمداد می طلبند

دما اهالی قریه فتوح آباد را مجرد به اطلاع هموطنان محترم میرسانیم که با گریختن شاه بزرگ جنایتکار، شاهکی در این قریه بنام مصطفی عبدالهی هنوز بر ما زحمتکشان حکومت کرده و از هر نظم و دست بردار نیست. مالک سابق ده، فردی جا پرست و متکبر بنام علی محمد دهقان، یکی از بزرگ مالکان استان فارس بود که به برکت انقلاب مردم زحمتکش ایران به همراه طاقت بزرگی فراری شد و الان معلوم نیست در کجای دنیا مشغول عیش و نوش است. مصطفی عبدالهی که همه مردم شیراز میدانند در زمان طاقت مخلوع عضو انجمن شهر شیراز بود و حق مالکیت حتی یک وجب از این قریه را ندارد، ادعای مالکیت ده را به نمایندگی از طرف علی محمد دهقان داد. او از اول انقلاب تا به حال دست بهر جنایت و خبیانتی زده و آسایش ما مستضعفین را سلب نموده، همچنانکه در بهار و تابستان سال گذشته بر اوردان عشایر را تحریک نموده و با وسیله نقلیه خود آنانرا به محل آورده و خسارات زیادی به کشت و زراعت ما وارد آوردند. پرونده این جنایات در استانداری و سپاه پاسداران موجود است. و در ضمن رئیس پاسگاه ژاندارمری رامجرد (کوشک) شخص بنام الیاس آذربد دائم مزاحم ماست و از مصطفی عبدالهی و جنایات او دفاع میکند. از برداران هموطن تقاضا می کنیم به فریاد ما مستضعفین رسیده دست این جنایتکار را از سرما کوتاه کرده و صدای حق طلبانه ما مستضعفین واقعی را به گوش دولت و رئیس جمهور برسانید.

اهالی قریه فتوح آباد را مجرد

این است متن نامه روستائیان فتوح آباد رامجرد، که رونوشت آن به دفتر نامه مردم، نیز رسیده است و ما آنرا برای آنکه ندای دهقانان زحمتکش بگوش مقامات مسئول برسد، چاپ کردیم. قبلا هم خبری در همین زمینه نامه مردم منتشر ساخته بود. پاسخ به این دهقانان چه وقت داده خواهند شد؟ پاسخ تهنیتی است و آنچه اجرای قانون اصلاحات ارضی و دادن حق به حق دار و کلیه ۵۰۰ هکتار زمین به یکصد خانوار این ده، هر چه سریعتر این پاسخ را دهقانان بشنوند، بیشتر بسود انقلاب است.

اخبار دهقانی

آب، مدرسه، گرمابه، جاده، خواستهای دهقانان امیر آباد نو

در ۷ کیلومتری غرب بخش بوئین زهرآ دهکده ایست با ۱۵۰ خانوار، بنام امیر آباد نو، جمعیت این دهکده ۸۵۰ نفر است. ده فاقد آب لوله کشی و برق است و آب آشامیدنی از چشمه ای تامین میشود. ساختنانی برای گرمابه بهداشتی دهکده در دست ساختمان بوده که فعلا ساختمان آن متوقف شده است. بچه های دهقانان در امیر آباد نو تا کلاس پنجم ابتدائی امکان تحصیل دارند و برای ادامه تحصیل باید به بوئین زهرآ در فاصله ۷ کیلومتری، هر روز در هوای گرم با سر بدون سروس، رفت و آمد کنند. با هر کت هر کلبون، خوراها خاک از این جاده خاکی به مواز بلند میشود و بر صورت و سینه کودکان خردسال می نشیند. در مجاورت این دهکده، روستائی است بنام تنگ، واقع در فاصله ۳ کیلومتری دهکده امیر آباد و ۷ کیلومتری بوئین زهرآ. کودکان محصل این دهکده هم باید ۱۰ کیلومتر را جمعا در جاده خاکی پیمایند. در این دهکده آب برای کشاورزی بسیار کم است و کشاورزان در مضیقه بسر میبرند. حدود ۳۰ نفر از مردان این ده به خاطر کمی آب نه کشاورزی و نه دامدار، بلکه ناچار شده اند در شهر مشغول کارگری در کارگاههای ساختمانی شوند. دهقانان می طلبند که مدرسه، گرمابه، جاده و در درجه اول آب، آب زراعی و آب آشامیدنی، برای آنها تامین شود، تا بتوانند به کار کشت بپردازند.

حزب توده ایران

ود کتر محمد مصدق

نورالدین کیانوری

منتشر شد

نام نویسی در حزب توده ایران کارگران و زحمتکشان هوادار حزب توده ایران که مایلند در حزب ثبت نام کنند، و همچنین اعضای قدیمی حزب توده ایران که در گذشته بدلائل گوناگون ارتباطشان با حزب قطع شده، می توانند علاوه بر ایام هفته، روزهای جمعه از ساعت ۱۱ تا ۱۴ صبح و از ۲۷ بهداز ظهر به دبیرخانه

محکوم باعدام: سندی دیگر از حقوق بشر آمریکائی...

در جهان سرمایه‌داریسم

در جمهوری دمکراتیک آلمان در سال ۱۹۷۹:

● تولید کالاهای «ممتاز» به ۳۱/۲ میلیارد مارک رسید، که ۶ میلیارد مارک بیش از سال پیش است. افزایش تولید فراورد های درجه یک، ۲۴ درصد، یعنی پراکندگی بیشتر از افزایش تولید کالای بود (۴/۸ درصد).

● به منظور تقویت بیشتر پایه مادی-فنی اقتصاد ملی، بهبود برنامه‌های شرایط کار و زندگی مردم و غیره، ۵۲ میلیارد مارک سرمایه گذاری شد. درصد افزایش سرمایه گذاری در گستره وزارت های صنعتی ۴ درصد بود.

● در کشاورزی، برنامه درآمد دولتی در همه زمینه‌ها، از جمله دامپروری و غله، سبب زمین، حیوانات، میوه و سبزی، با موفقیت تحقق یافت.

● ترابری داخلی به ۷۸/۲ میلیارد تن کیلومتر رسید، که ۲/۲ درصد بیشتر از یک سال پیش است. برای سال پیشین بود.

● حجم بازرگانی خارجی به ۱۰۹ میلیارد مارک، یعنی ۱۲ درصد بیشتر از سال قبل، افزایش یافت. دسوم بازرگانی خارجی جمهوری دمکراتیک آلمان با کشورهای عضو شورای همسایه اقتصادی بود.

کارگردان، با بهره گیری از امکانات مینمایی و تکنیک قوی، فضایی مؤثر می‌آفریند، که رسوا کننده سرمایه‌داران آمریکایی و عمل آنها در دادگاه انارمپلیس و سایر نهاد های حکومتی است. از آنچه مشاهده است. صحنه‌های خشونت پلیس در هجوم به محله کارگری و سرکوب تظاهرات مردم، کتک زدن یکی از شهود و صحنه‌های وارونه چلووه دادن حقایق در دادگاه و غیره.

ارائه گروهای از اعتراض‌ها و تظاهرات میلیونی مردم سراسر جهان بدفاع از ساگو و انرژی و همبستگی توده‌ها، که به طور مستند در فیلم گنجانده شده، بر گیرایی و زیبایی فیلم، می‌افزاید.

رنگ تیره و خفه سراسر فیلم به استثنای یک صحنه، به افق فضای ترور و اختناق پلیسی حاکم کمک می‌رساند. تنها در یک صحنه زمانی که دو محکوم باعدام را با ماشین پلیس در شسر حرکت میدهند، تا بقتلگاه ببرند، انرژی با تگاهی ششراز از شور زندگی جوانی و عشق به انسانها، به بیرون و به بازی کودکان رنگین پویش که بر پهنه سبز چمن میدویند، بیشتر از از رفیقتی ساگو میخواهد که او نیز زندگی را در سبز دری خود پیش می‌برد. ببیند ولی ساگو خسته، بدبین تر از آست که این صحنه درواواتیری بگذارد.

موزیک فیلم از «انیموریکو» است، که در سراسر فیلم، همچون جزئی لاینفک از متن اصلی، پخوبی آنرا همراهی میکند. صدای «موجن بایس» خواننده انقلابی آمریکا، در میزان تاثیر گذاری حوادث فتنی بسزا دارد و بر غنای هنری فیلم می‌افزاید.

بازی گرای جهان ماروی و لوته در نقش وانزلی و بازی نقش آفرینان «ساگو» و «مور» قابل تحسین است. بطور کلی، فیلم با وجود پرش بریدن چندین صحنه حساس و دیولهای نه چندان رسا، که بد روانی موضوع فیلم لطمه میزند، سندی دیگر از محکومیت آمریکائی چنایتکار است. امید است که هر چه بیشتر شاهد عرضه فیلم های از این دست باشیم.



وانزلی و ساگو: بدون مردم، ما دو کارگر ساده بودیم کسه در گمنامی می‌مردیم، ولی حالا...

محکوم باعدام، فیلمی است به کارگردانی «جولیانو موتالو»، ساخته شده در سال ۱۹۷۹. سناریوی این اثر مبتنی بر داستان واقعی اعدام دو کارگر یگنسه ایتالیایی است، به اتهام اوهی ارتکاب قتل، که از طرف پلیس ۳ دستگاه قضایی آمریکا صورت می‌گیرد.

زمان فیلم سالهای ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۷ میلادی است. سالهای نزدیک شدن کاپوس و رشکستکی ساجیان کتسربا و کارتلها، سالهای شروع بحرانهای شدید اقتصادی و خودکشی پرستندگان دلار. زمان اوج مهاجرت کارگران بیکار و فقیر خارجی به آمریکا.

تأثیر شوم جنگ جهانی اول بر کشورهای اروپائی، از جمله ایتالیا، گروه گروه مردم زحمتکش و بیسنگ از آینده راه بسوی بهشت خیالی آمریکا، سرزمین مهبود شیر و عسل روان، سرازیر کرده است، در این امید که به حداقل یک زندگی انسانی دست یابند.

و مبارز و تا لحظه اعدام استوار و پا برجا است. ساگو، شکننده و بیسنگ است و بر اثر سنگینی تهمت قتل و دزدی، به مرز دیوانگی میرسد. ولی زمانی که جان او تنها در گرو نوشتن عنوانه به مقابله بالاتر است، بیا میخیزد و کل نظام حاکم را، از رئیس جمهور گرفته تا قاضی و دادستان نژاد پرست دادگاه، که بی‌شکایت به رهبر کولوس کلان ما نیستند، مورد سؤال و مواخذه قرار می‌دهد.

این دو کارگر، شرافتمندانه بیای سندلی الکتریکی میروند و قلبهای گرم و سربانسان، که بخاطر همه هنوعان خویش می‌لهد، بدست حامیان دروغین حقوق پس از زیستن باز می‌آیند.

ولی این بیعدالتی حتی بر افراد پرورده آن نظام هم گران می‌آید و بر «دمکراسی آمریکائی» شک می‌ورزند.

وکیل مدافع دو کارگر که به وجود دمکراسی واقعی در آمریکا ایمان داشته است، به نشانه اعتراض به وابستگی کامل دستگاه قضایی به قدرتمندان و سرمایه‌داریست هاوزر-پاکاردون حقوق زحمتکشان و مبارزان، آمریکا را ترک میکند.

به یک گردمانی معمول، توسط پلیس دستگیر میشود و روز بعد از طبقه چهاردهم ساختمان پلیس به پائین برتاب شده، بقتل می‌رسد. برای پرده پوشی این قتل بدست پلیس، دو کارگر زحمتکش و آگاه ایتالیایی بنام «ساگو» و «کلاسی» و وانزلی، مای فروش، دستگیر میشوند. عکسی از حضور آنها در روز درگیری، برای محکومیت و منکوب آنها از نظر پلیس، کافی نظر میرسد. دستگاه قضایی وابسته به نظام سرمایه‌داری به فوریت دست‌بکار، میشود، تا از این واقعه برای تبلیغ سیاست نژادپرستی، گذراندن قانون اخراج کارگران خارجی، که دیگر بکلی اسباب دردسر شده‌اند، و بالاخره حمایت از سرمایه‌داران، حداکثر استفاده را ببرد. در این میان آنچه آید مهم نیست، همان سر نوشت ساگو و وانزلی است.

محاکمه این دو ۷ سال تمام بطول میانجامد. انعکاس جلسات محاکمه و دفاعیات جانانه آنها علیه پرستندگان پول و زور، و فعالیت کمیته دفاع برای آزادی آنها، موجی از اعتراض در سراسر جهان بر میانگیزد. تظاهرات و

در جهان سرمایه

تورم فزاینده در آمریکا

هفته نامه آمریکایی «یو اس نیوز اند ورلدریپورت»، در یکی از شماره های اخیر خود نوشت:

«بهار امسال در آمریکا احتمال فصلی آکنده از تنش و ناآرامی خواهد بود.»

این مجله از دینورت گزارش میدهد:

«مردم از اینکه هزینه های زندگی ظاهراً بی بند و بار افزایش می‌یابد، کاسه صبرشان لبریز شده است. آنها میخواهند که هر چه زودتر در این باره اقدام شود و از این بابت دچار یاس گردیده‌اند که هیچگونه راه حل عملی مشاهده نمی‌کنند.»

«یو اس نیوزاند ورلد رپورت» بنقل از روزنامه نکاری از کولوند می‌افزاید:

«جو عمومی بداست و

مردم مایوسند. دشواری آن قدر زیاد است که دیگر قابل تحمل نیست.»

ماهنامه نامبرده می‌نویسد:

«دوختیم از همه، تورم و بهره های گزاف است» و بنقل از کارگری از لوس آنجلس می‌گوید:

«افزاید، اینقدر مرا چاییده‌اند، که دیگر حوصله هیچ چیز را ندارم.»

«یو اس نیوز اند ورلد رپورت» بررسی اقتصادی خود را چنین پایان میدهد:

«بهرحال، برای کارگران که صورتحساب را باید بپردازند، تورم بزرگترین بلایه است. پژوهش های یکی از اقتصاد دانان ما نشان میدهد که، در بیش از ۹۰ شاخه صنعتی، درآمد واقعی، و در نتیجه قدرت خرید شاغلان، کاهش یافته است.»

نامه مردم

زادگان و رابطه مستقیم با رژیم بعثی عراق به فعالیت‌های مخرب و جنگ طلبانه خود در کردستان ادامه میدهد.

تاریخ به عقب باز نمی‌گردد

محمد مظلوم انتظار، یک کارگر قدیمی عضو حزب «درنامه» چندین صفحه‌ای خود با عنوان «چرا توده‌ای شدیم»، از تاریخ سراسر ایمان و ایثار حزب توده ایران داستانها دارد. از نخستین برخورد هایش با اهدافمان راستین منافع طبقه کارگر، از کارگران توده‌ای قتل میکند. اندکلی از هیاهو رفیقان نیمه راه دستک اندازی‌های عناصر به ظاهر انقلابی، از کینه جوئی دیوانه‌وار امپریالیسم در طرح افتراهای بی پایه از شیوه کهنه کار سازی امپریالیسم، از نیر نامهای مردم فریب، برای مبارزه با مشی اصولی و انقلابی حزب توده ایران سخن میگوید. او در قسمتی از نامه اش می‌نویسد:

«امپریالیسم آمریکا برای جلوگیری از پیشرفت حزب توده ایران دست به ساختن حزب های مختلف زد. حزب‌ها مثل قارچ از زمین روئیدند آنوقت با حزب‌هایی مثل حزب سومکا، حزب پان ایرانیست، حزب نیروی سوم، حزب زحمتکشان قباچی، جمعیت رهائی کارواندیش و «حزب اب» و «گروه‌های» بسیاری دست کرد تا حزب طبقه کارگر، حزب توده ایران را نابود کند. و حالام گروهک های مائوئیستی جوراچود که ۱۰ الی ۲۰ نفر بیشتر نیستند، سبز شده‌اند.

این آقایان باید بدانند تاریخ به عقب بر نمی‌گردد پیروزی صوب کانی است که در راه راستی و درستی و انسا ندوستی حرکت می‌کنند. آنها که طرفدار تمام حکتکویان و ترقی خواهانند. آری این یک حقیقت بزرگه و انکار ناپذیر است. «نامه مردم» ایمان زرف و اصولی برسی کردن مسائل، نشانگر رشد و ارتقاء آگاهی سیاسی زحمتکشان میهنمان است، که با شناخت سباهکارهای امپریالیسم و درک سطح مشی حزب طبقه کارگر ایران، راه نجات خود، طبقه خود و کشور خود، راه حزب توده ایران را می‌یابند.

با اتحاد آهنین و استوارت درهم فروریز نیرنگهای اهرمن را!

سخنی با خواننده

هر روز نامه‌های بسیاری از راه‌های دور و نزدیک به ما میرسد. نامه‌هایی سرشار از شور و محبت، که ما را در بیکار برحق و نیک فرجامان علیه امپریالیسم و ارتجاع، در راه استقلال، آزادی، ترقی و رفاه اجتماعی مردم میهن عزیزمان دلگرم می‌کند.

رفقا، دوستان! ارسال اشعار و اخبار برای حزبتان، خود بیانگر پیوند گسسته ناپذیر مردم با نامه «مردم» است. با امتنان و تشکر بی پایان از همه دوستانی که گنجینه اطلاعات حزب خویش را غنا می‌بخشند، و به امید استواری هر چه بیشتر این پیوندهای غرور آمیز و پر معنا، از این پس در ستون مردم و نامه «مردم»، که از چندین پیش، بدلیل امکانات محدود انسانی و فنی، جایش در صفحات روزنامه ما خالی بود، تلاش می‌ورزیم تا آنجا که می‌توانیم نامه‌های پر شمار شمارا منعکس سازیم، هر چند آگاهی که صفحات محدود روزنامه ما، از امکان پاسخگویی به حتی یکمصدم نامه‌های پر شور شما نیز برخوردار نیست.

با گشایش مجدد این ستون، امیدواریم بتوانیم مبرم‌ترین و عام‌ترین خواسته‌ها، معضلات و مسائل شما را درج کنیم، به پرسش‌های عام و همگیز شما پاسخ گوئیم و نظر کارها و اشعار شما را به چاپ برسانیم.

فتودال یعنی چه؟
من از آموزگار خوارم تا به سوال او پاسخ بدم. آموزگار پذیرفت، گفت:

فتودال به کسی می‌گویند که زمین دارد و عیبت‌ها را استثمار میکند.

چو ایه تمام نشده بود که دانش آموزان برسند!

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند. زحمتکشان باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

اصل قانون اساسی را در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی اجرا کنید!

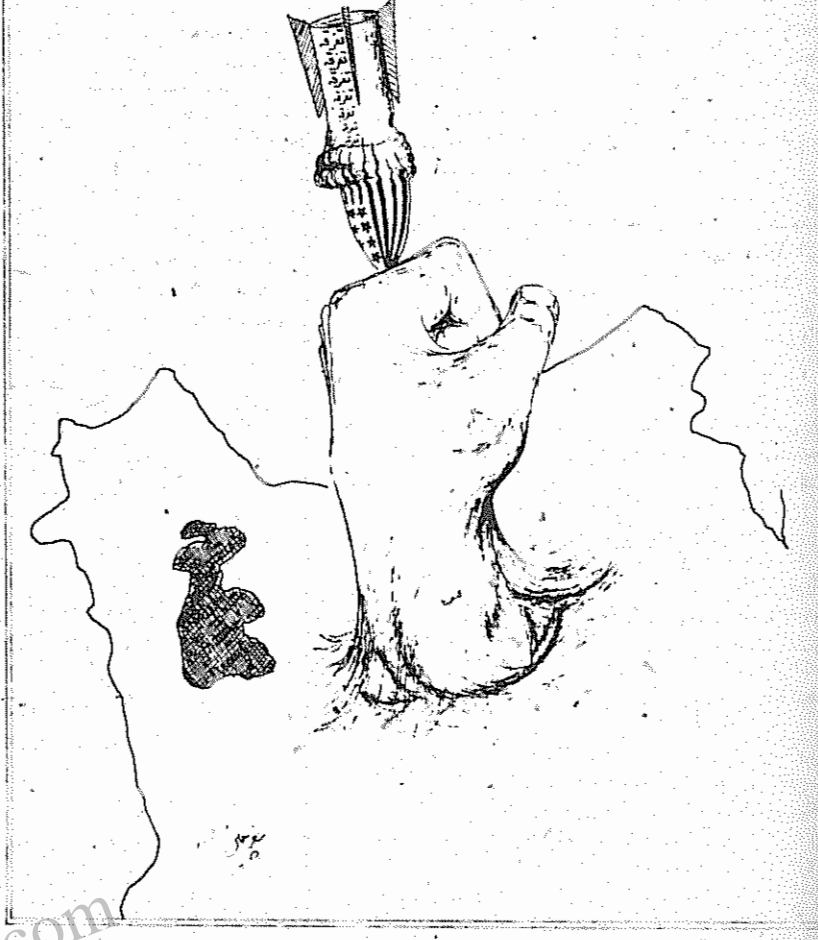
در مطبوعات کشور

سپاه پاسداران : کتابفر و شیهای خرمشهر برای انحراف افکار عمومی منفجر شد

اهواز - بدنبال انفجار دو کتابفروشی در خرمشهر اطلاعیه ای از سوی سپاه پاسداران خرمشهر انتشار یافت.

معن اطلاعیه باین شرح است: در ساعت دوپانصد و ۵۹۰۲۶ و ۵۹۰۲۸ ساعت ۳۰ دقیقه پانصد و ۵۹۰۲۸ و اتحاد خرمشهر بدست آتش-افروزان منفجر گردید، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خرمشهر ضمن اعلام انزجار از اینگونه اعمال ضد انسانی، این اقدامات را در این شرایط حساس تشدید بحرانهای داخلی تلقی کرده و معتقد است زیانهای جبران-ناپذیری بر مبارزات ضد امپریالیستی خلق مسلمان ایران میزند و همچنین اعتقاد دارد این انفجارات بمناسبت انحراف افکار عمومی از اقدامات ضد انقلاب در منطقه خوزستان میباشد. لذا این سپاه عاملین اینگونه انفجارها را توطئه گر و آب به آسیاب دریزان ضد انقلاب میدانند. بر این اساس است که با آنان چگونه ضد انقلاب بر خورد میکند.

سپاه پاسداران خرمشهر از کلیه برادران و خواهران عزیز خرمشهر تقاضا دارد چنانچه در باره عواملی که در اینگونه بمب گذاریها شرکت میکنند اطلاعاتی دارند اطلاعات خود را در اختیار سپاه پاسداران خرمشهر قرار دهند. (یکهان، ۱۵ اردیبهشت)



۲۱ سال از خاموشی افراشته شاعر توده‌ای گذشت

توده‌ای، دوستان و رفقای افراشته نسبت به جان او بیگانه شده و با کلمه حزب او را از ایران خارج کردند - دوری از وطن برای شاعری که قلبش برای توده‌های مردم ایران می‌تپید بسیار سخت بود با اینحال در مهاجرت - که سالهای آخرش در بلغارستان گذشت - وی به سرودن شعر و چاپ مقالات و نشر کتاب در باره مسائل ایران میپرداخت و زیر نام «شرفی» پرده از چهره رژیم شاه بر میگرفت او در اواخر سال ۱۳۳۴ از ایران خارج شد و در ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۳۸ پس از ۵۱ سال زندگی به علت سکه قلبی چشم از جهان فرو بست. جسدش را در صوفیه (بلغارستان) در همان شهری که زندگی می‌کرد پنهان کردند و روی قبرش نوشتند: بشکنی ای قلم ای دست اگر بیچی از خدمت محرومان سر خاطر و یادش گرامی باد



افراشته در سال ۱۲۷۸ در اهواز (باز قلمه) یکی از روشنفکران قومی حومه رشت یا بهیچ‌صورت نهاد. او از همان اوان زندگی چهره کویه قفس را در والیت زندگی بازشناخت و خیلی زود آن را در آفرینشهای ادبی امری خود به کار گرفت.

بعد از شهریور بدست نیازی بودهای مردم به شمساده سبب شد که شمساده سبب افراشته در ستاد وزارت سیاسی و اجتماعی بخشد و نام او به عنوان شاعری خلقی و مبارز بر سر زبانها بیافتد بد اعلان کرد که ملت نفوذ کلام افراشته در توده‌های زحمتکش سراسر، سادگی کلامی و بی‌پس‌پس یکی در سالهای بعد از شهریور بدست تا ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ آفتاب افراشته در نشریات حزب توده ایران چاپ می‌شد و پس از آن نیز سال ۳۲ در جراید و نشریات مختلف و در جزوه‌ها و کتابها منتشر می‌شد.

افراشته در تمام اینها به توفیق دست نیامده و نشریات حزب توده در آن زمان به واسطه فشارهای خارجی و داخلی و بازرگانان و دولتمندان سر و کار داشت. پس از کودتای سوم ۲۸ مرداد تلاش دستگاه جبهه‌های شاه برای دست یابی به افراشته به اوج خود رسید به همین دلیل او در پناه

سفت بگیر!

از افراشته

ای رئیس الوزرا تا اینجا ملت اینرا تومبخواهد و پس شل نیایی که طرف عباراست واسطه، واسطه اصلا نپذیرفتن سواران نسیم عیار دل آسای ترومن تنگه ترومن هست برای خودت خبلی هم باشه رئیس جمهور به کسی حق دخالت ندهی مرده شورش ببرد با پیغام انگلیس آبرویش رفته به باد ملت ما به شما بار دگر خواهی ارقابل تقدیر شوی شل نیا، سفت بیا، پیر شوی!

بنی صدر: قوای انتظامی نه تنها تعقیب گروه چماقداران را وظیفه خود تلقی نمی کند بلکه حمایت از آنان را وظیفه خود قرار می دهد

چماقداران دست از حملات آوری بردارند، و اگر بر نداشتند قوای انتظامی وظیفه خطیر خویش عمل کنند و بدانند که این حمله‌ها همچنانکه در گذشته به تضعیف گرایشهای مورد حمله نیا انجامید بلکه بکنس بقوت آنها منجر شد، در حال و آینده با سنگین کردن جوساسی کشور، خطرات موجود در چند بار بزرگتر میسازند

موجودیت انقلاب و کشور را به خطر می افکنند. و بدانند این پذیرفته نیست که پس از ۱۵ ماه حمله آوری مستمر هنوز شناخته نشده باشند. اگر هنوز هستند و عمل میکنند بخاطر آنست که قوای انتظامی رهبری منسجم ندارند و از سیاست واحدی پیروی نمی کنند و نه تنها تعقیب این گروه را وظیفه خود تلقی نمی کنند،

بلکه حمایت از آنها را وظیفه خود قرار میدهند. چون وظیفه سنگین حفظ امنیت بر همه ریاست جمهوری است، لاجرم باید وسایل حفظ این امنیت نیز در اختیار او قرار بگیرد. اینکه وسایل در اختیار نیستند و خطرات آنرا فردا مورد بحث قرار میدهم.

(انقلاب اسلامی ۱۴ اردیبهشت)



ماهیت شیطان بزرگ از دیدگاه مکتب امام خمینی در عمل نشان دادند که برخلاف بسیاری از دولتمردان و لیبرالهای سازشکار آمریکا رایشطان بزرگ می دانند که میان او و انسان از هر عقیده و مسلک و از هر رنگ و نژادی که باشد، جز تضاد و آشتی ناپذیری و ناسازگاری و سازش ناپذیری نمی تواند حاکم باشد.

دادند که برخلاف بسیاری از دولتمردان و لیبرالهای سازشکار آمریکا رایشطان بزرگ می دانند که میان او و انسان از هر عقیده و مسلک و از هر رنگ و نژادی که باشد، جز تضاد و آشتی ناپذیری و ناسازگاری و سازش ناپذیری نمی تواند حاکم باشد.

امام خمینی در عمل نشان دادند که برخلاف بسیاری از دولتمردان و لیبرالهای سازشکار آمریکا رایشطان بزرگ می دانند که میان او و انسان از هر عقیده و مسلک و از هر رنگ و نژادی که باشد، جز تضاد و آشتی ناپذیری و ناسازگاری و سازش ناپذیری نمی تواند حاکم باشد.

در حالی که مقامات مملکتی از خلع سلاح گروههای مختلف صحبت می کنند، «چریک‌های جبهه ملی نجسات افغانستان» در شهرهای مختلف ایسران بطور مسلحانه در تودند.

اخیراً در روزنامه «خراسان» که در مشهد چاپ می‌رسد، در تاریخ اول اردیبهشت دو خبر به چاپ رسید که هر دو خبر حاکی از کارهای غیر قانونی افراد افغانی بود. در یکی از خبرها آمده بود که دادگاه انقلاب اسلامی مشهد یک افغانی را به جرم ارتکاب اعمال غیر انسانی و تجاوز به عفت به اعدام محکوم کرده است. خبر دوم مربوط به همکاری یک گروه ضربت با چریکهای «جبهه ملی نجات افغانستان» در جنوب خراسان در رابطه با مسئله قاچاق مرفین و کشف آن بود.

با خواندن این مطلب در چشمه در روزنامه خراسان این سؤال پیش میاید که آیا چریک‌های جبهه ملی نجات افغانستان برای حمل سلاح مجاز هستند؟ و اگر چنین نیست، چرا هیچکس از خلع سلاح آنها صحبتی به میان نمی آورد؟ آیا نیروهای انتظامی دولتی و واحدهای سپاه پاسداران وسایل نهادهای انقلابی کافی برای سرکوب قاچاقچیان نیستند که باید از گروههای «افغانی» در ایران استفاده کرد؟ یا توجه به اینکه در بسیاری از این درگیریها، دزدی و قاچاق مواد مخدر خود افراد «افغانی» دست دارند.

امام در کاربرد مفهوم شیطان بزرگ از مرزهای جغرافیایی و نژادی و حتی مذهبی فراتر رفته و آمریکا را دشمن همه خلقها و دشمن همه انسانها می داند و بالاتر از همه انسانها می داند و بالاتر از آن سرمایه داری حاکم و سرمداران کاخ سفید و جنگجویان افسروان پنتاگون را بعنوان شیطان بزرگ، دشمن مردم آمریکا و توده‌های متضاد آن درارم می داند. (امت، ۱۰ اردیبهشت)

خلق کرد خواهان صلح و مذاکره...

بقیه از صفحه ۱

نفت می باشد. خلق کرد خواستار مذاکره و صلح است، امیدوارند که حقوق خرد خویش را تنها از راه اتحاد با کلیه خلقهای ایران در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و دست نشاندهان داخلی اومی توانند بچنگ آورند، نه از راه مقابله و جنگ بادر کشی.

خلق کرد از آتش افروزان نفرت دارد و بیشک آتزمان که خود با اتکا به نیروهای راستین ضد امپریالیست و صلح-طلب، بحرکت آید، نه تنها عوامل ضد انقلاب را در کردستان در هم خواهد کوبید، بلکه بر آن نیروهای که با تعادل و مسامحه خود او را به گمراه کشانند و فریب دادند، پروپاگاندایها افزودند و تفرقه و کینه جوئی برادر نسبت به برادر را دامن زدند نیز خواهد بخشید.

راه حل مساله کردستان، از راه صلح و مذاکره میگذرد. آنان که این راه را در کف نمی کنند، بیشک توسط خلق صلح طلب، ضد امپریالیست و حوق طلب کرد در هم کوبیده خواهند شد.

با اتکا به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین

دیدار ضیاءالحق از پکن هدف تشدید توطئه‌ها و عملیات تجاوزی علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان را دربردارد

جمهوری دمکراتیک افغانستان از نخستین روزهای انقلاب دمکراتیک ماه آوریل سال ۱۹۷۸ (اردیبهشت ۱۳۵۷) پس از توطئه‌ها و تحریکات و عملیات تجاوزی از جانب رژیم نظامی ضیاءالحق رهبری مائوئیستی چین و امپریالیسم آمریکا روبرو بوده است. دانه این عملیات تخریبی تا جایی گسترش یافت که دستاوردهای انقلاب و استقلال و تمامیت ارضی جمهوری دمکراتیک افغانستان با خطری جدی مواجه گردید و شورای انقلاب و دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان تاگزین شده از مسوولان پیمان دوستی و کمک متقابل با اتحاد شوروی استفاده نمایند. کمک نظامی اتحاد شوروی که بد به تقاضای دولت دمکراتیک افغانستان انجام گرفت، نقشه‌های توطئه گرانه امپریالیسم آمریکا رژیم نظامی پاکستان و رهبری پکن را برای سرنگونی رژیم دمکراتیک افغانستان و تبدیل آن کشور به پایگاه نظامی علیه اتحاد شوروی و جمهوری اسلامی ایران عمیق‌تر کرد.

امپریالیسم آمریکا رژیم ضیاءالحق و چین پس از این شکست، دست به تبلیغات جنون آمیزی

علیه اتحاد شوروی و رژیم دمکراتیک در افغانستان زدند که هدف اصلی این تبلیغات قبل از هر چیز انحراف توجه از تدارکات جنگی و عملیات تجاوزی آمریکا علیه انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران و توجیه تمرکز نیروهای دریائی و هوائی و گسترش حضور نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند بود.

چین و پاکستان، طبق برنامه تدوین شده از جانب امپریالیسم آمریکا، تحریکات و توطئه‌ها و تجاوزات خویش را علیه جمهوری افغانستان همچنان ادامه می‌دهند. تمام اردوگاه‌های نیرو-های ضد انقلاب از فراریان افغانی در خاک پاکستان و ایالت سینزین چین، همچنان دایر است. در این اردوگاه‌ها گروه‌های خرابکار و تروریست زیر نظر مریدان چینی و پاکستانی و مأموران سیا آمریکا آموزش می‌بینند. با سلاحها و تجهیزات چینی و آمریکایی مجهز می‌شوند و برای انجام مأموریت‌های تخریبی به خاک افغانستان فرستاده می‌شوند.

رویدادهای دوساله اخیر در منطقه خوار و نزدیک و میانه پیروزی انقلاب دمکراتیک در

خوانندگان گرامی
میتوانند در خارج از کشور به آدرس‌های زیر با نامه مردم مکاتبه کنند

- بلژیک**
51, Av. de Broqueville
1200 Bruxelles
- فرانسه**
Rigal Albert
BP 75160
75001 Paris
France
- انگلستان**
P.O. Box 141
London. E7 OPE
- سوئد**
Box 27730
27230 Stockholm
- ایتالیا**
Pci, Shams
Via G. Vincon, 46
Ostia (Roma)
Tel. 6814922 (TUDEH)

شوخی نیست...!

انشعاب مائوئیستی ادامه دارد

در این هفته نیمی از کمیته مرکزی و اعضای طبقه انشعاب کردند!

این حزب دوطبقه، که خودش اسم خودش را حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران، خودش انشعاب دیگر، که این انشعاب هم از یک انشعاب دیگر از این انشعاب در انشعاب بوجود آمده بود، متولد شد.

انشعاب اولی مربوط است به سالیهای ظهور مائوئیسم آن سال چند نفر از «مائوئیست‌ها» ملائطی که به اختصار «م.ل.» می‌نامند، بعد از انشعاب از سازمان انقلابی «توفان» درست کردند. در آن سال توفان وعده داد که حزب طبقه کارگر ایران درست می‌شود. مدتی بعد حزب «توفان»، که خیلی «توفانی» تر و خیلی «م.ل.» تر می‌پوشید «توفان» اولی دعوتشان شد و چون دست به انشعابشان منشعب شدند و حزب دوطبقه را تشکیل دادند.

بعد از چند هفته بین چند سوسیال سرگردانی که حزب دوطبقه را میگرداند، انشعاب پیش آمد و بعد از «حزب دوطبقه» اعلام کرد که استراتژی و تاکتیک انقلاب عبارت است از اتحاد همه نیروها علیه حزب توده ایران. دو نفر اول این نظریه را قبول کردند، ولی بر سر این اتحاد جنجال شد و بالاخره ۲ نفر اول از دوفتر دوم بالمکسر، فرق نمیکند انشعاب کردند.

پیشینی کرده‌اند که دوفتر اول و دوفتر دوم هر دو انشعاب خواهند کرد، در پاره‌ای پیش نیامدن اختلاف مرکزی خودش باشد! اما از آنجا که ترکعات موجب مرض است میرسد برخی از این تریجه‌ها خودشان از خودشان انشعاب

قسم ضیاء یا دم خروس؟

سرگرم مطالعه دمورد «ایجاد پایگاه‌های نظامی آمریکا در پاکستان» علیه خلفای منطقه بخصوص ایران و افغانستان دادن پاکستان بعد از «افسران ارتش شاهنشاهی» و «افسران فراری»، که در آلمان غربی آموزش دیده بودند، جهت خرابکاری در انقلاب ایران، «کمک‌های نظامی عظیم آمریکا» و «پایگاه‌ها» که ناگهان خبر آوردند که

سختگویی وزارت خارجه پاکستان ضمن امر همدردی پاکستان با ایران بخاطر حمله نظامی آمریکا اظهارات خبرگزاریها در مورد استفاده هواپیماهای آمریکایی از خاک پاکستان را مضحک خواند.

(جمهوری اسلامی، ۱۳/۷/۷۷)

قسم ضیاء را باور کنیم یا دم خروس را!

اندر محاکمه یکی از مزدوران رژیم پهلوی

دست عدالت مردم گریبان یکی دیگر از مهرهای فانی منور منحل شاهنشاهی را گرفت و به دادگاه انقلاب کشاند. در پارسا، وزیر سابق آموزش و پرورش و مجری طرح‌های منحل فرهنگی و آموزشی، در دادگاه انقلاب مطالبی در دفاع از بیان داشته که حریف است به نکاتی از آن اشاره نشود.

فوخرو پارسا گفت: اینها که بمن اتهامات زدند میلیون‌ها وارد کرده‌اند، باید بگویند این پولها را من از طریق و از کجا سرقت کرده‌ام.

نکته: باز هم خانم فکر کرده وزیر شده!

وی ادامه داد: «من در پاسخ ساواک (برای ایجاد شکایت در بین مملکت برای جلوگیری از نفوذ کمونیسم) طرحی را دادم و گفتم: راه مبارزه با نفوذ و پیشرفت کمونیسم در مملکت و دیگر اقشار جامعه آنست که کتابهای ضد کمونیسم بیشتر چاپ و منتشر شود...»

نکته: یعنی ایشان علاوه بر مجری طرح‌های ساواک، «طراح» هم بوده‌اند.

البته ایشان در دادگاه گفته بودند که «... اتهاماتی که وارد شده است دلیل و اساس محکمی ندارد، و این باعث تشفی افکار من شده است.»

ما هم پس از شنیدن دفاعیات مشتت ایشان، این حرف‌ها را کردیم.

دقت علمی

«دراکگر»، یعنی یکی از این گروه‌های چپ‌نما، کنش‌ها عاقبت بخیر نشد و با سر دسراسر مائوئیسم فرو می‌غلطد. در تحلیل، راجع به حوادث بمب‌گذاری اخیر - لابد برای دقت علمی - گفته است که این حوادث به «احتمال قوی» ساواکها بوده است.

خود کرده را تدبیر نیست

دادگاه انقلاب اسلامی خراسان ضمن اعلام اینکه یک نفر از افراد خود فروخته و طرفدار آمریکا و ساواکها بنام گروه‌ها به خرابکاری بزند، طی اعلامیه‌ای گفته است:

نظر به حساسیت منطقه خراسان از جهت وقوع حوادث در این سامان و برای اجرای امرام در ردیابی ریشه‌ها گندیده ضد انقلاب به کلیه کارمندان و مأموران و منابع سازمان منحل و کلیه محکومین و افراد ارتش ژاندارمری و شهریار انقلاب مشهد معرفی کنند.

گویند که پس از این اعلامیه، گروه‌های چاق‌بند «ساواک» که در خرابی‌ها مشغول بوده‌اند، نشریات و اعلامیه‌ها حمله به دانشکاهها کرده‌اند، طی کلیه پیام تلگرافی گفتند: «خود را تدبیر نیست!»

همآهنگی کامل

طبق گزارش‌های رسیده، «بن‌شیوه عمل پلیس انگلیس و همکاران» که سفارت ایران در لندن را به اشغال خود در آورده، هم‌آهنگی کامل وجود دارد.

(خبرگزاریها - جمهوری اسلامی، ۱۳/۷/۷۷)

از طرفی نخست‌وزیر انگلیس طی پیامی به آقای بنی گفته است:

«ما یلتم تکرانی عمیق شخص خود را در مورد ویرانه‌ها که برای سفارت ایران در لندن پیش آمده ابراز تأسف و دولت انگلیس این اقدام را تفسیر آور و خلاف اصول داد و قاطانه با آن مقابله می‌کند.»

تدبیر کند مقابله قاطانه را!

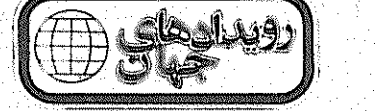
دبیر کل حزب کمونیست آمریکا عملیات نظامی آمریکا علیه ایران را اقدامی تجاوزکارانه و جنگ طلبانه خواند

نیروهای تریخ‌خواه آمریکا و در رأس آنها حزب کمونیست این کشور قاطعانه سیاست تجاوزکارانه هیئت حاکمه آمریکا را علیه جنبش رهایی بخش محکوم می‌کنند.

گس‌هال، دبیر کل حزب کمونیست آمریکا، در اجتماع بزرگی که در نیویورک، برپا شد اعلام کرد که عملیات نظامی اخیر علیه کشور مستقل ایران اقدامی تجاوزکارانه و جنگ طلبانه بوده است.

گس‌هال تأکید کرد که سیاست محافل حاکمه واشنگتن تهدیدی جدی برای صلح جهان است.

گس‌هال ضمن اشاره به انقلاب افغانستان گفت که امپریالیسم آمریکا تلاش می‌کند در پی از دست دادن پایگاه‌های تجارانه خود در ایران، افغانستان را زیر سلطه خود درآورد و این کشور را به پایگاه جدید خود تبدیل کند.



رویدادهای جهان

اعتراض محافل اجتماعی به سیاست ضدملی ضیاءالحق در پاکستان

سیاست رژیم ضیاءالحق در مورد تبدیل پاکستان به پایگاه تجاوز و توطئه علیه کشورهای منطقه، بویژه علیه انقلاب افغانستان، در داخل پاکستان با مخالفت‌های گسترده روبرو می‌شود.

هرچند دیکتاتور پاکستان اختناق‌دور کشور برقرار کرده و از ترس بر ملا شدن سیاست‌های خود روزنامه‌ها را سانسور می‌کند، اما رهبران گروه‌های مختلف بهر حال نظریات خود را که ویش منتشر می‌کند و به مردم اطلاع می‌دهند. از جمله بیگم نسر تو تو و بی نظیر بوتو همسر دو دختر ذوالفقار علی بوتو، که اکنون رهبری حزب مردم پاکستان را به عهده دارند، سیاست‌های ضدملی ضیاءالحق را محکوم کرده‌اند.

بی نظیر بوتو در مصاحبه‌ای با یک خبرنگار گزاری غربی، که بوسیله روزنامه‌های انگلیسی و هندی منتشر شد، گفت که پاکستان به «تحریکات» در افغانستان کمک کرده است. همسر بوتو نیز گفت که اگر حزب مردم پاکستان قدرت را در دست گیرد، اجازه نخواهد داد که شورشیان افغانی از خاک پاکستان برای حمله به افغانستان استفاده کنند و بیدرتک باب مذاکره با دولت افغانستان در افتتاح خواهد کرد سیاست عدم مداخله در امور داخلی این کشور را در پیش خواهد گرفت.

همسر دو دختر بوتو اعلام کردند که دولت ضیاءالحق تعداد افغانی‌ها در پاکستان را عمداً بیشتر از میزان واقعی آن اعلام می‌کند. دختر بوتو گفت که ارقام دولت پاکستان در این مورد گمراه کننده است و پرسید:

«آیا کسی آنها را دیده است؟ چرا همیشه دیدار کنندگان را به چند اردوگاه مشخص می‌بندند؟ بنظر می‌رسد بسیاری از افغان‌ها به پاکستان می‌آیند و سپس به افغانستان برمیگردند، اما دولت روز بروز ارقام را افزایش می‌دهد.»

سارخال اسرخرخان، سیاستمدار دیگر پاکستان نیز در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت:

«رژیم نظامی پاکستان این کشور را به پایگاهی علیه افغانستان تبدیل کرده است و باید به این وضع پایان داد.»

اسرخرخان تأکید کرد که این ادعا که گویا شوروی قصد دارد به سوی خلیج فارس و مبدان‌های نفتی سرانبر شود، عاری از حقیقت و کلامی اساسی است.

از سوی دیگر همسر دو دختر بوتو و همچنین سارخال اسرخرخان اظهار عقیده کرده‌اند که حکومت آینده پاکستان به قلم‌نامه‌های کفرانگیز اخیر اسلامی در مورد افغانستان هیچ‌وجه پای بند نخواهد بود، زیرا این کفرانگیز تحت نفوذ آمریکا تشکیل شده است.

پراودا: آمریکا تشنج را در جنوب شرقی آسیا افزایش داده است

روزنامه پراودا، ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، اعلام کرد که آمریکا تشنج را در جنوب شرقی آسیا افزایش داده و از سال اسلحه به تأیید در راه‌های اخیر فزونی گرفته است.

پراودا تأکید کرد که امپریالیسم آمریکا به پایگاهی در فیلیپین در اختیار داده، تصمیم به گسترش این پایگاه گرفته است.

از سوی دیگر آمریکا کشورهای اتحادیه آسیای جنوب شرقی (آسه‌آن) را برای تشکیل یک اتحادیه نظامی علیه ممالک هندوچین زیر فشار قرار داده و بدین ترتیب اقدام‌های خود را علیه منافع خلفای منطقه توسعه می‌دهد.

شرکتهای غارتگر نفتی به گوشه‌های از غارتگری‌های خود اعتراف می‌کنند

شرکت «آتلانتیک ریچ فیلد»، که هفتمین شرکت نفتی بزرگ آمریکاست، اعلام کرد که درآمد خالص آن در سه ماه اول سال جاری ۷۶ درصد نسبت به دوره مشابه سال قبل افزایش یافته است. این شرکت تنها در سه ماه اول سال جاری بیش از ۴۲۶ میلیون دلار سود خالص داشته است.

موج اعتصاب‌های کارگری سرتاسر سوئد را فرا گرفته است

بیش از یک میلیون کارگر سوئدی بتوان اعتراض به اقدام کارفرمایان در مورد اخراج کارگران و تورم فزاینده دست به اعتصاب زده‌اند. روزنامه‌های سوئد در تیت‌های خود اعلام کرده‌اند که بزرگترین بحران صنعتی تاریخ سوئد آغاز شده است.

اعتصاب رادیو و تلویزیون را نیز فرا گرفته است و تنها ایستگاه رادیویی کشور کار می‌کند. رهبران کارگران اعتصابی تأکید می‌کنند که اخراج بی‌رویه کارگران باید قطع شود و تدابیر در جهت مبارزه با تورم اتخاذ گردد.

اعتصاب کارگری در سوئد نشان می‌دهد که دنیای سرمایه‌داری، حتی در کشورهایی مانند سوئد، باجه بحران عظیمی دست به گریبان است. زحمتکشان در این کشورها همواره با کابوس بیکاری، تورم و فقر روبرو هستند.

برای توجه خبرنگاران نامه مردم

هر روز دهها گزارش و صدها خبر از سراسر ایران، که توسط رفقای حزبی و یارها و اداران حزب توده ایران تهیه شده است، به نامه مردم می‌رسد. ما ضمن تشکر از همه خبرنگاران نامه مردم، رفق و دوستان حزبی، خواهانیم که برای بهتر شدن گزارش‌ها و اخباری که بدست خوانندگان نامه مردم می‌رسد، به چند نکته توجه فرمایند:

- ۱- اغلب هم‌رازان گزارش‌ها، بویژه گزارش‌های محلات فقر و هم‌راه‌خوار، بویژه اخبار تشکیل نمازگاهها، عکس‌های رنگی برای ما فرستاده می‌شود. این امر در مورد گزارش‌های کارگری و دهقانی هم صادق است. از آنجا که عکس رنگی در نامه مردم، از نظر فنی قابل استفاده نیست و با اضافه چاپ به ظهور آنهم مدتی طول میکشد، لطفاً در درجه اول برای ما عکس و یا فیلم سیاه و سفید بفرستید. توجه می‌دهیم که تهیه عکس رنگی منتفی نیست و کسانیکه امکان دارند، میتوانند هر دو نوع فیلم، هر رنگی و هم سیاه و سفید تهیه کنند. در اینگونه مواقع می‌توانید برای سهولت و سرعت کار، عکس سیاه و سفید و فیلم رنگی را برای ما بفرستید.
- ۲- در بسیاری موارد، از محلاتی که گزارش آنها تهیه و در روزنامه چاپ شده است، برای ما گزارش می‌رسد، برای مثال تاکنون ۳ گزارش درباره محله زینجان شمالی، که گزارش آن قبلاً در روزنامه چاپ شده، برای ما فرستاده شده است. تهیه این قبیل گزارش‌های تکراری تنها سبب هدر رفتن وقت می‌شود.
- ۳- در عکس‌هایی که از محلات فقر و زندگی زحمتکشان برای ما می‌رسد، اغلب تنها عکس خانه‌ها، کپرها، و زیرانی محله گرفته شده است. این عکس‌ها لازم است، اما کافی نیست. در محلات فقر باید عکس انسان‌هایی که در آن شرایط زندگی میکنند نیز گرفته شود. بویژه تهیه عکس زحمتکسانی که هنگام تهیه گزارش با آنها گفت‌وگو می‌شود، حتماً لازم است.
- ۴- در گزارش‌هایی که از زندگانی زحمتکشان، بویژه کارگران و دهقانان تهیه می‌شود، باید حتماً به تهیه عکس آنها هنگام کار تصویر چهره آنها توجه داشت. اینگونه عکس‌ها باید زنده و هنگام کار گرفته شود، تا بتواند نحوه فعالیت زحمتکشان را نشان بدهد.
- ۵- اغلب عکس‌ها و یا فیلم‌هایی که همراه گزارش‌ها و اخبار می‌رسد، فاقد شرح است. حتماً لازم است پشت هر قطعه عکس توضیح کافی در مورد آن داده شود. اگر فیلم را برای ما می‌فرستید، در نامه‌های همراه فیلم به حسب شماره فیلم توضیحات آنرا بنویسید.
- ۶- مشخصات دقیق محلات فقر و در صورت امکان، محل قرار گرفتن آنها را در شهر و نقشه تقسیم کنید.
- ۷- هر گزارش و خبر باید شامل تاریخ روی دادن آن و نام شهر، روستا، کارخانه و محلی باشد که گزارش را با خبر از آنجا تهیه شده است.
- ۸- گزارش‌ها و اخبار را یک طرف صفحه و با خط خوانا بنویسید، اگر با ما همین تمیز باشد چه بهتر.

نامه مردم

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی

خیابان ۱۹ آذر شماره ۶۸
تلفن: ۹۳۵۷۲۸-۹۳۳۴۵۹
شماره تلکس: 214081 TPI IR
چاپ، کلریان

MARDOM
No. 227
6 May 1980

Price:
West - Germany 0.80 DM
France 2 fr
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 350 L.
USA 50 Cts.

را میتوان از تمام کیوسکهای فروش نشریات خرید

یکشنبه‌ها: نامه مردم» بزبان کردی

هوسطان کرد مقیم تهران
میتوانند نسخه مردم» بزبان کردی را، که روزهای یکشنبه می‌آید، از کیوسکهای مختلف